

بازاندیشی نظری و مطالعه تطبیقی شاخص بومی توسعه اجتماعی در ایران

زهره شهبازی^۱ , مهدی مبارکی^۲ ^۱ - استادیار گروه پژوهشی روان‌شناسی اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاددانشگاهی، تهران، ایران. رایانامه: shahbazi@acecr.ac.ir^۲ - نویسنده مسئول*، استادیار گروه پژوهشی توسعه اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران. رایانامه: mobaraki@acecr.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی تاریخچه مقاله: دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۶ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۱۲ کلید واژه‌ها: توسعه اجتماعی ایران، شاخص ترکیبی، شاخص رفاه لگاتیوم، نابرابری، شاخص پیشرفت اجتماعی	هدف پژوهش: این مقاله با هدف دستیابی به تعریفی بومی از توسعه اجتماعی متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران و طراحی شاخصی ترکیبی برای سنجش وضعیت کشور انجام شده است. انگیزه اصلی پژوهش، فقدان شاخص‌های جامع برای نمایش ویژگی‌های خاص جامعه ایران و محدودیت شاخص‌های بین‌المللی موجود در بازنمایی واقعیت‌های آن است. روش پژوهش: در این مطالعه روش پژوهش مبتنی بر مرور انتقادی است؛ ابتدا با مرور اسناد و متون علمی، سبیر تاریخی تکوین مفهوم توسعه اجتماعی، دسته‌بندی تعاریف، و تحولات نظری مرتبط بررسی شده و همچنین تغییرات شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه اجتماعی و نحوه کاربست آن در ایران تحلیل گردیده است. در ادامه، با معرفی مهم‌ترین مؤسسات بین‌المللی فعال در سنجش توسعه اجتماعی و نقد محدودیت شاخص‌های آنان در نمایش واقعیت ایران، ضرورت تدوین شاخص بومی تبیین شد. بر همین اساس، شاخص ترکیبی متناسب با بافت ایران طراحی گردید که با استفاده از روش ناردو و همکاران ساخته و از طریق روش دلفی اعتبارسنجی شد. یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد ایران در سطحی متوسط از توسعه اجتماعی قرار دارد و بیشترین نابرابری در بعد سرمایه زیرساختی مشاهده می‌شود؛ به طوری که بهبود وضعیت مؤلفه‌های رفاه نیازمند بازنگری سیاستی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های اجتماعی و رفاهی است. برای اعتبارسنجی، نتایج شاخص بومی با شاخص رفاه لگاتیوم در سال ۱۴۰۳ مقایسه گردید که کارآمدی آن را در آشکار ساختن تفاوت‌های درون‌منطقه‌ای نشان می‌دهد. نتیجه‌گیری: شاخص بومی توسعه اجتماعی ارائه‌شده می‌تواند ابزاری مناسب برای ترسیم دقیق وضعیت توسعه اجتماعی در مقیاس‌های استانی و شهرستانی باشد و امکان رصد تحولات توسعه اجتماعی در سطوح مختلف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اجتماعی کشور را فراهم آورد. این شاخص همچنین می‌تواند به سیاست‌گذاران در شناسایی نقاط ضعف و ارتقاء عدالت اجتماعی یاری رساند.

استناد: شهبازی، ز. مبارکی، م. (۱۴۰۴). بازاندیشی نظری و مطالعه تطبیقی شاخص بومی توسعه اجتماعی در ایران، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۴(۱)، ۲۰۶-۲۲۹.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.



[10.22034/jeds.2025.67901.1875](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.67901.1875)

مقدمه

توسعه اجتماعی در بستری از مجموع عوامل عینی/ ذهنی که سبب‌ساز تغییر مفهوم مدرنیزاسیون از معنای رشد و صنعتی‌شدن به فرایندهای چندبعدی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیطی و فردی، در تفکر توسعه‌ای بوده، بازصورت‌بندی شده است. این مفهوم یکپارچگی اهداف اقتصادی اجتماعی، تغییرات ساختاری و نهادی و افزایش ظرفیت‌های فردی و اجتماعی در بستری از مشارکت را نمایندگی می‌کند که می‌تواند هم در مقام مکمل توسعه اقتصادمحور و هم به عنوان جایگزین آن منظور گردد. این مفهوم در طول یک قرن گذشته، از سیاست‌های رفاهی ابتدایی در غرب تا برنامه‌های جامع توسعه در سازمان‌های بین‌المللی، فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده است. نمونه‌هایی مانند قانون حمایت از تهیدستان الیزابت^۱ سال ۱۶۰۱، طرح‌های بیمه اجتماعی صدر اعظم آلمان، وان بیسمارک^۲ در اواخر قرن نوزدهم، ایده حمایت اجتماعی طرح سامان‌دهی اقتصادی نیودیل^۳ در ایالت متحده ۱۹۳۰ و گزارش بوریج در پایان جنگ جهانی دوم در بریتانیا نقطه عطف‌هایی در توجه به عدالت اجتماعی و رفاه عمومی به شمار می‌روند. هرچند این تحولات تاریخی در پیدایش و گسترش مفهوم توسعه اجتماعی موثر بوده‌اند، اما چارچوب‌ها و شاخص‌های برآمده از آنها به طور کامل قادر به بازنمایی واقعیت‌های کشورهای غیرغربی، از جمله ایران نیستند. در ایران استفاده از شاخص‌های بین‌المللی توسعه اجتماعی با محدودیت‌هایی همراه است؛ چرا که این شاخص‌ها غالباً بر مبانی نظری و داده‌های متناسب با زمینه فرهنگی و اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته بنا شده‌اند و در نمایش نابرابری‌های درون منطقه‌ای یا مولفه‌های خاص ایران کارایی لازم را ندارند. به همین دلیل، ضرورت دستیابی به تعریفی بومی از توسعه اجتماعی و طراحی شاخصی متناسب با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور احساس می‌شود. به همین منظور این مقاله تلاش دارد برداشتی از توسعه اجتماعی را ارائه کند که در عین سازگاری با بافتار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران، بتواند در مقام جانشین/ مکمل، و مقوم سیاست‌های اجتماعی تصویر منسجم‌تر از توسعه اجتماعی ترسیم نماید. نوآوری آن در ارائه چارچوبی بومی برای تعریف توسعه اجتماعی و طراحی شاخص ترکیبی متناسب با شرایط ایران است؛ شاخصی که علاوه بر سنجش در سطح ملی، توانایی آشکار کردن نابرابری‌های استانی و شهرستانی را نیز دارد. این ویژگی، آن‌را از پژوهش‌های مشابه متمایز می‌سازد و می‌تواند تصویری واقع‌بینانه‌تر از وضعیت توسعه اجتماعی ایران ارائه نماید. در ادامه مقاله ابتدا به مرور مبانی نظری و تحولات تاریخی توسعه اجتماعی می‌پردازد، سپس چارچوب طراحی شاخص بومی را معرفی کرده و در نهایت یافته‌ها و پیامدهای سیاستی آن‌را بررسی می‌کند.

ادبیات پژوهش

برای سامان‌دهی ادبیات پژوهش نخست، تحول تاریخی مفهوم توسعه اجتماعی بررسی می‌شود تا مسیر تغییر این ایده از برداشت‌های رفاه‌محور اولیه تا رویکردهای چندبعدی معاصر روشن شود. سپس به رویکردهای نظری و دسته‌بندی‌های ارائه شده پرداخته می‌شود تا ابعاد فکری و نظری توسعه اجتماعی آشکار گردد. در گام بعدی، شاخص‌های جهانی و تجربه سازمان‌های بین‌المللی در سنجش توسعه اجتماعی معرفی و نقد می‌شود تا محدودیت‌های آنها در بازنمایی واقعیت ایران مشخص شود. در نهایت، از خلال این مباحث، ضرورت دستیابی به تعریف و شاخص بومی توسعه اجتماعی استنتاج می‌شود. به این ترتیب مسیر حرکت از زمینه‌های تاریخی و نظری به سمت پرسش اصلی هدایت شده است.

سیر تکوین تاریخی مفهوم توسعه اجتماعی در دنیا

بررسی روند تاریخی شکل‌گیری مفهوم توسعه اجتماعی در دنیا نشان می‌دهد که این مفهوم به صورت خطی و یکنواخت شکل نگرفته، بلکه در بستر تحولات پارادایمی و تحت تاثیر تغییرات نهادی در سطح جهانی تکوین یافته است. از یک سو،

1. Elizabethan Poor Law

2. Von Bismarck

3. New Deal

دگرگونی‌های نظری در حوزه توسعه، منجر به ظهور رویکردهایی متنوع از تمرکز صرف بر رشد اقتصادی تا تاکید بر عدالت اجتماعی، مشارکت شهروندی و پایداری شده‌اند. از سوی دیگر، نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد و بانک جهانی، از طریق تدوین شاخص‌ها و ارائه توصیه‌های سیاستی، نقش موثری در جهت‌دهی به این تحولات ایفا کرده‌اند. تعامل میان این دو عرصه یعنی؛ تحول نظریه‌ها و عملکرد نهادهای بین‌المللی نشان می‌دهد که مسیر شکل‌گیری مفهوم توسعه اجتماعی حاصل یک فرایند پیچیده و چند لایه بوده است. تحلیل این مسیر، به ویژه در زمینه بومی‌سازی مفهوم توسعه اجتماعی در ایران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌تواند مبنایی برای تدوین چارچوب‌های نظری و سیاستی متناسب با شرایط زمینه‌ای فراهم آورد.

– تحولات پارادایمی در نظریه‌های توسعه (تحلیل انتقادی الگوی استاندارد توسعه)

در اندیشه نسل نخست نظریه‌پردازان توسعه، این مفهوم عمدتاً به مثابه رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شد. تجربه برنامه‌ریزی اقتصادی در شوروی طی دهه‌های ۱۹۲۰ و اوایل ۱۹۳۰، پیش از ظهور نظریه‌های کینز، به عنوان نمونه عملی مداخله دولت برای هدایت اقتصاد در ایده توسعه^۱ وارد گردید. بعدها، اندیشه‌های کینز با تمرکز بر نقش دولت در مدیریت تقاضا و مقابله با بحران‌های کوتاه‌مدت اقتصادی، بر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی تأثیر گذاشتند. در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، اقتصاددانانی نظیر بوئک، روزنشتاین (Rosenstein, 1943)، لوئیس (Lewis, 1954)، روستو (Rostow, 1960) با الهام از این دیدگاه‌ها، طرح‌های پنج ساله توسعه برای تبدیل جوامع معیشتی سنتی خود به اقتصادهای تولیدی مدرن با مداخله دولت صورت‌بندی کردند. به این ترتیب الگوی موسوم به توسعه استاندارد شکل گرفت؛ الگویی که مبتنی بر توسعه اقتصادی ریاضی‌وار (افزایش سرمایه‌گذاری / اشتغال‌زایی / بهبود استانداردهای زندگی) به سیاست و خط‌مشی اصلی دولت‌های سراسر جهان تبدیل شد. (Migdely, 2014)

اما با پیدایش نتایج نامطلوب نابرابری‌های درآمدی و ثروتی توسعه در کشورهای جهان سوم و سربرآوردن تحلیل‌های انتقاداتی به توسعه؛ سوگیری اقتصادی (Griffin & James 1981, Myrdal, 1957)، سوگیری شهری (Lipton, 1977)، سوگیری جنسیتی (Rogers, 1980)، غفلت از نابرابری‌های وسیع‌تر جهانی (Frank, 1967)، آسیب‌های اکولوژیکی ناشی از صنعتی شدن (Daly, 1996) در ایده توسعه صورت‌بندی مجددی انجام شد.

به طوری که در این نسل از اندیشمندان دیگر، افزایش درآمد سرانه و رشد تولید ناخالص داخلی غایت توسعه محسوب نمی‌شود، بلکه رشد کیفی، کاهش فقر، عدالت اجتماعی مباحث مهم در توسعه تلقی می‌شدند (Meyer, 2001) و طرح این مباحث، به ورود مفهوم توسعه اجتماعی با جایگاه متفاوت در صورت‌بندی مکاتب نظری توسعه منجر گردید. شرح قرارگیری توسعه اجتماعی در مختصات هریک از این صورت‌بندی‌ها در ادامه مقاله آورده شده است.

– گسترش منطق سرمایه‌داری در اقدامات دولت‌های استعماری تازه استقلال یافته

یکی دیگر از اتفاقات تاریخی موثر بر شکل‌گیری مفهوم توسعه اجتماعی هم‌زمان با استقلال مستعمرات پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد؛ جنبش‌های ناسیونالیستی پس از جنگ، مقامات استعماری را وادار به برنامه‌ریزی اقتصادی و اقدامات توسعه‌ای ترمیمی و جبرانی^۲ در کشورهای جنوب نمود (Migdely, 2014) تا از طریق برنامه‌ریزی اقتصادی به نگرانی‌های مقامات ارشد دولتی پاسخ دهند (Livingstone, 1969). به همین دلیل برنامه‌های مختلفی مانند آموزش، ساخت جاده، درمانگاه، برنامه‌های بهداشتی و... با بودجه‌های دولتی و مشارکت مردم محلی تحت عنوان توسعه اجتماع‌محور به عنوان رویکردی که به جای تمرکز صرف بر دولت یا بازار، بر نقش فعال مردم در فرآیند توسعه تأکید دارد، با هدف پیشرفت قلمروهای استعماری

1. the idea of development

2. remedial social welfare

صورت گرفت، از آن جمله برنامه توسعه اجتماع محور هند توسط دولت انگلیس (Bhattacharyya, 1970)، برنامه توسعه اجتماع محور آمریکای لاتین توسط دولت ایالت متحده (Brokensha and Hodge, 1969)، برنامه انمیشن روراله دولت فرانسه (Gow & van Sant, 1983) که در تمامی آنها این برنامه‌ها برای منافع ژئوپلیتیکی و استراتژیکی دولت‌های استعماری به اجرا درآمد. در واقع این برنامه‌ها در ادامه سیاست‌های استعماری این دولت‌ها جوامع را به توسعه اجتماعی رهنمون ساختند.

– نقش سازمان‌های بین‌المللی در تکوین مفهوم توسعه اجتماعی

در ادامه و جهت تثبیت و تقویت این سیاست‌ها سازمان‌های بین‌المللی نقش‌آفرینی بسیاری داشتند؛ در واقع با ابزار سازمان‌های بین‌المللی ظرفیت‌سازی و نهادی‌سازی برای تثبیت گفتمان توسعه با رویکرد اجتماعی صورت پذیرفت، این سازمان‌ها با بازاندیشی در عملکرد و رویکرد خود به توسعه، اقدام برای توسعه اجتماعی را ارتقاء دادند؛ سازمان ملل در دهه ۱۹۶۰ با ارزیابی اولویت‌بندی‌های اولیه خود درباره رفاه اجتماعی ترمیمی و جبرانی و صورت‌بندی رویکردش به توسعه اجتماعی، برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی یکپارچه را برای دولت‌های عضو تصویب نمود (UN, 1971)، سازمان ملل متحد به منظور کاربست روش توسعه‌ای جدیدش، کمیسیون اجتماعی مسئول اجرای ماده ۵۵ منشور را به کمیسیون توسعه اجتماعی تغییر نام داد، موسسه پژوهشی توسعه اجتماعی ملل متحد^۱ را شکل داد که آغازگر طرح توسعه شاخص‌های کمی اندازه‌گیری پیشرفت توسعه اجتماعی بوده است (Baster, 1972)، بانک جهانی به وسیله بازاندیشی در سیاست‌های مالی و تغییر جهت سرمایه‌گذاری اقتصادی به اجتماعی در همگانی شدن توسعه اجتماعی نقش داشت (World Bank, 1995) این طرح‌ها الهام‌بخش سایر سازمان‌های توسعه بین‌المللی از جمله سازمان بین‌المللی کار؛ تاکید بر اولویت رویکرد نیازهای اساسی به جای رشد اقتصادی اشتغال مزدبگیری (Migdely, 2014: 58) سازمان بهداشت جهانی؛ تاکید بر جهت‌گیری منابع دولت‌ها به سوی خدمات مراقبت بهداشتی اجتماع محور در بیانیه آما-آتا (WHO, 1978)، شدند که همگی منعکس کننده دیدگاه هنجاری دولت‌گرا در رویکرد توسعه اجتماعی هستند و بر اثربخشی اجرای توسعه اجتماعی توسط دولت‌ها تاکید می‌کردند، البته این رویکرد توسط طرفداران بازار و برخی از طرفداران توسعه اجتماع محور مورد انتقاد جدی قرار گرفت.

رشد سازمان‌های غیردولتی در کشورهای جنوب، که واکنشی به ماهیت "بالا به پایین" رویکرد دولتی بود، به افزایش برنامه‌های اجتماع محور در توسعه اجتماعی (Lewis & Kanji, 2009) منجر شد. در دهه ۱۹۷۰ سیاست تعدیل ساختاری کشورهای غربی به عنوان پروژه‌ای ایدئولوژیک برای تقویت منطق بازار در پوشش کاهش بدهی، تاثیر مخربی بر توسعه اجتماعی داشت و بسیاری از دستاوردهای اجتماعی دو دهه پیش را از میان برد. (Hall & Midgley, 2004) این چالش‌ها که از سوی جریان‌های پوپولیستی و لیبرال‌های بازار ایجاد شده بود، سازمان ملل متحد را به سمت احیا ایده‌های توسعه اجتماعی سوق داد. سرانجام با تصویب بیانیه اجماع کپنهاگ در مجمع جهانی ۱۹۹۵، تعهد بین‌المللی جدید برای تقویت نقش دولت‌ها در توسعه اجتماعی شکل گرفت. در ادامه نیز رویکردهای هنجاری جدیدی مانند رویکرد معیشت، قابلیت و دارایی بر خانوارها و نقش آنها در توسعه اجتماعی به جای مداخله دولت و اجتماع تاکید کردند. البته علی‌رغم تنش‌ها بین طرفداران رویکردهای مختلف، امکان سازش بین آنها در رویکردی عملگرا و مردمی همچنان قابل تصور است. (Migdely, 2014) بررسی روند تاریخی شکل‌گیری مفهوم توسعه اجتماعی نشان داد مفهوم توسعه اجتماعی در گذر زمان و در تعامل نظریه‌ها و نهادها شکل گرفته است. نقد الگوهای سنتی توسعه و ظهور دیدگاه‌های نو، آن را از رشد اقتصادی صرف به سوی عدالت اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی سوق داده‌اند. در همین حال، سازمان‌های بین‌المللی با سیاست‌گذاری‌های خود، مسیرهای متنوعی از دولت‌محوری تا اجتماع‌محوری را تقویت کرده‌اند. این تحولات نشان می‌دهد که توسعه اجتماعی مفهومی پویا و

وابسته به زمینه‌های تاریخی و فرهنگی هر جامعه است؛ از همین رو، بازتعریف و بومی‌سازی آن برای کشورهای چون ایران ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

سیر تحول تعریف توسعه اجتماعی

از آنجایی که شاخص‌سازی مستلزم برخورداری از یک تعریف روشن و دقیق از مفهوم مورد نظر است، مرور سیر تحول تعاریف توسعه اجتماعی بستری برای شناسایی ابعاد اصلی مفهوم فراهم می‌سازد. توسعه اجتماعی بر خلاف رویکردهای رایج رفاه مبتنی بر مدل خدمت‌رسانی، به تغییرات اجتماعی پیش برنده تاکید دارد که عاملیت این تغییر به دست اجتماع محلی، دولت و یا بازار صورت می‌گیرد. مناقشه و اختلاف بین تعاریف هم از این موضوع سرچشمه می‌گیرد، بر این اساس می‌توان تعاریف این حوزه را دسته‌بندی نمود؛

دسته‌ای که توسعه اجتماعی را با فعالیت‌های اجتماع‌محور و مشارکت محلی تعریف می‌کنند، بر مواردی نظیر ارزش‌های انسانی، فعال‌گرایی مدنی و مفاهیمی همچون مشارکت تاکید عمده دارند. تعریف پایوا (paiva, 1977)؛ توسعه ظرفیت مردم برای این که به طور پیوسته و مداوم در راستای رفاه خود و جامعه کار و تلاش کنند. عمر (omer, 1979)؛ ایجاد جوامع انسانی که متعهد در دستیابی به صلح جهانی و پیشرفت برای همه مردم است، اسپالتر و سین (aspalter & singh, 2008)؛ تغییری که مردم را قادر می‌سازد تا با شادی‌ها، حس رضایتمندی و زندگی مسالمت‌آمیز بیشتری دست یابند، تعاریفی هستند که در دسته اول جای می‌گیرند. البته به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران حوزه توسعه اجتماعی، این تعاریف ناملموس هستند و به دلیل اهداف انتزاعی، ارزش عملی کمی دارند (میجلی، ۱۳۹۷: ۹). همچنین تعاریف کمتر انتزاعی مددکاران اجتماعی نظیر هالیستر (holister, 1977) و اشپرگل (spergel, 1978) که توسعه اجتماعی را با سازمان‌های اجتماع‌محور، تجزیه و تحلیل سیاست و مدیریت برنامه یکسان می‌دانند، میاه (Miah, 2008) که بر نقش کسب و کارهای خرد و وام‌های کوچک تاکید دارد، جنبه‌های عملی توسعه اجتماعی را پررنگ نموده‌اند و بر مشارکت مردم محلی برای بهبود شرایط تاکید دارند. "در حالت کلی رویکرد مشارکت اجتماع‌محور مدعی است که تغییرات اجتماعی از طریق به چالش کشیدن ساختارهای اجتماعی تدویم‌دهنده فقر و نابرابری توسط مردم عادی، اتفاق می‌افتد، بنابراین طبیعی است که در این رویکرد فعال‌گرایی مدنی، سازمان‌های غیردولتی و جنبش‌های اجتماعی حائز اهمیت هستند (میجلی، ۱۳۹۷: ۱۲-۱۳)"

دسته دیگر با تاکید بر نقش دولت، توسعه اجتماعی را از طریق برنامه‌ریزی اجتماعی و سیاست‌گذاری اجتماعی قابل تحقق می‌داند. می‌توان به بافت و شرایط حاکم بر شکل‌گیری این رویکرد با ابژه‌ها اصلی آن که دقیقاً پس از پایان جنگ جهانی دوم تا اواخر ۱۹۷۰ میلادی الگوی حاکم بر برنامه‌ریزی توسعه بوده اشاره داشت؛ این دوره مقارن با بازسازی ویرانی جنگ در اروپا و طرح مارشال بود و از طرفی تجربه رکود و بحران بزرگ ۱۹۲۹ را پشت سر گذاشته بود؛ لذا اکثر نظریه‌پردازان و سیاست‌گذاران در این دوره، اعتقاد به دولت بزرگ داشته که زمام امور را در دست بگیرد و شرکت‌های دولتی به مثابه قهرمان ملی تصور می‌شدند (عیوضی، مرزبان، و صالحی، ۱۳۹۶)؛ از این رو دولت هم‌چنانکه در بعد سیاسی تقویت می‌شد در بعد اقتصادی نیز می‌بایست تقویت شود و گسترش یابد (نادری قمی، ۱۳۹۰). حتی در کشورهای در حال توسعه نیز استدلال بر این بود که چون بخش خصوصی توان و سرمایه مورد نیاز برای بسیج توسعه را ندارد، می‌بایست دولت از طریق شرکت‌های دولتی، منابع لازم را تجهیز کند؛ نظریات اقتصاد کینزی نیز، دولت را عامل تصحیح‌کننده شکست بازار می‌دانست که با طرح‌های عمرانی دولتی و صرفه‌های مقیاس حاصل‌شده از آن، فرایند توسعه را تسریع می‌بخشید (میدری و خیرخواهان، ۱۳۹۰)

در این بستر بود که مولفان توسعه اجتماعی این رویکرد، به تعریف و صورت‌بندی توسعه اجتماعی پرداختند. به عنوان مثال، تعاریف جونز و پاندی (pandey, 1981)، توسعه اجتماعی فرایندی که منجر به بهبود کیفیت زندگی مردم ... توزیع عادلانه‌تر منابع... و اقدامات ویژه‌ای برای گروه‌های حاشیه‌ای و اجتماعات می‌شود و آنها را قادر به حرکت به سوی جریان

اصلی می‌کند، رویکرد و تعریف میردال و سیرز (Myrdal, 1970)، (seers, 1969) مبنی بر رویکرد یکپارچه و واحد از برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی، متعلق به دسته تعاریف دولت‌گرا هستند. در واقع تعاریف دولت‌گرا از توسعه اجتماعی " مبنای عمل در سازمان‌های توسعه بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد^۱، صندوق کودکان سازمان ملل متحد^۲، سازمان بین‌المللی کار^۳ و برنامه توسعه سازمان ملل^۴ و امثالهم قرار گرفته است. حتی اهداف توسعه هزاره که از تعهدات کشورهای عضو سازمان ملل متحد در اجلاس جهانی توسعه اجتماعی کنپهاگ (۱۹۹۵) استخراج و به عنوان بیانیه در سال ۲۰۰۰ به کشورها اعلام گردید، نشان‌دهنده تعریف دولتی از توسعه اجتماعی است (میجلی، ۱۳۹۷: ۱۵)"

این تعریف از توسعه اجتماعی که "مترادف با افزایش ظرفیت نظام اجتماعی، نهادها، خدمات و سیاست بهره‌گیری از منابع، برای سطوح زندگی مطلوب‌تر که معطوف به توزیع درآمد، دارایی و فرصت‌ها، در نظر گرفته شده است که متشکل از دو جنبه: توسعه ظرفیت مردم برای کار مداوم و برای رفاه جامعه و دیگری تغییر و توسعه جامعه به سوی وضعیت و موقعیتی که در آن به نیازهای انسانی همه گروه‌ها در جامعه پاسخ می‌گوید (United Nations, 2000)"؛ با ایده دولت‌رفاه و طرح‌های رفاه سوسیال‌دموکرات شباهت دارد.

رویکرد دیگر به توسعه اجتماعی؛ قائل بر این نظر است که زمانی می‌توان به توسعه اجتماعی دست یافت که افراد نیازمند وارد چرخه بازار شوند و دولت نقش مداخله‌گری خود را در تنظیم بازار به حداقل برساند. در واقع ناکارآمدی‌های رویکرد دولت‌گرا؛ تراکم نیروی کار در بنگاه‌های دولتی و نیز ایجاد بازدهی نزولی در بنگاه‌های دولتی راه را برای رویکرد اقتصاد بازار (اجماع واشنگتنی، تعدیل ساختاری) هموار ساخت؛ در این رویکرد باور به قدرت بازار و انتخاب مردم بود و کارآمدی رقابت و قیمت بازار، جای تخصیص دولتی منابع را گرفت. در چنین شرایطی خصوصی‌سازی یک غایت و کمال مطلوب به حساب آمد؛ در این مسیر بود که اقتصاددانانی مانند فریدمن، تفاوت بین توسعه اقتصادی و اجتماعی را مردود دانسته و معتقد بودند که سیاست‌های اقتصادی بازارمحور، خود به خود باعث افزایش رفاه اجتماعی می‌شود (friedman, 1989) به نقل از (میجلی، ۱۳۹۷: ۲۳).

علی‌رغم این تعدد تعاریف، بسیاری از متخصصان در این که توسعه اجتماعی یک فرایند است اجماع نظر دارند. آنها با ویژگی‌های کلیدی این فرایند؛ وضعیت اولیه^۵ که توسعه اجتماعی به دنبال تغییر آن است، اهداف^۶ که توسعه اجتماعی امید تحقق آن را دارد و پیشرفت و مداخله^۷ که تغییر وضعیت اولیه به وضعیت بهتر را محتمل می‌سازند، موافق‌اند، اما مفروضات پذیرفته شده و عام پیرامون آن به شدت مورد مناقشه است. (Migdely, 2014: 77)

در حالت کلی بررسی تعاریف نشان داد که توسعه اجتماعی همزمان بر جنبه‌هایی چون مشارکت اجتماعی، ظرفیت نهادی دولت و کارکرد بازار استوار است. این ابعاد در ادامه مبنای انتخاب مولفه‌ها و شاخص‌های بومی توسعه اجتماعی ایران قرار گرفت.

سیر صورت‌بندی نظری توسعه اجتماعی

وجه تمایز رویکردهای نظری پیرامون توسعه اجتماعی در موضع‌گیری‌شان پیرامون نقطه آغازین، اهداف و فرایند توسعه اجتماعی است. صورت‌بندی نظری که هریک از این رویکردها از توسعه اجتماعی ارائه می‌دهند در این چهار موضوع متفاوت است:

- ✓ وضعیت اولیه فقر؛ شرایطی که در آن درآمدها به کمتر از حداقل معیشت می‌رسند؛
- ✓ وضعیت اولیه محرومیت؛ محرومیت از سلامتی، سواد، غذا و سایر محرومیت‌ها؛

1. The United Nations(UN)
 2. The United Nations children's emergency fund (UNICEF)
 3. The international labor organization (ILO)
 4. The United Nations development programmed (UNDP)
 5. the original condition
 6. the goals
 7. progress and intervention

✓ وضعیت اولیه توسعه‌یافتگی: وضعیتی تاریخی و ماندگار ناشی از تولید اندک در بخش کشاورزی (شامل مکتب وابستگی: توسعه‌نیافتگی نتیجه فرایند انقیاد و استثمار است، مکتب ضد توسعه دارای مبنا: ارائه تصویری منفی برای نادیده انگاشته شدن دارایی‌ها، مکتب فقر: فقر مرتبط با تنظیمات اجتماعی است و فقر فقرا ناشی از عواملی وابسته به عقاید و فرهنگ است) و

✓ وضعیت اولیه توسعه تحریف‌شده، نابرابر یا نامتوازن: نحوه ترتیبات ساختاری موجب شده درآمد و ثروت حاصل از رشد سریع اقتصادی ناعادلانه به تعداد اندکی از افراد، اجتماعات و مناطق تعلق گیرد و از سودرسانی به اکثریت افراد و مناطق غفلت شود.

در جدول زیر موضع‌گیری این رویکردها پیرامون اجزای فرایند توسعه اجتماعی مشخص شده است. دسته‌بندی انجام‌شده بر اساس مرور و تلفیق دیدگاه‌های نظری توسعه اجتماعی در آثار اندیشمندانی چون (Seers, Myrdal (1970)، (Sen (1999)، (Putnam (1993, 2000)، (Pralhalad (2004)، (Midgley (2014) و دیگران تنظیم شده است.

جدول شماره ۱: موضع‌گیری رویکردهای نظری به فرایند توسعه اجتماعی

ریشه‌های ایدئولوژیک	چشم‌انداز	واحد تحلیل	استراتژی عمل	صاحب‌نظران	کلید واژه
فردگرایی	معیشتی	خانواده	ارتقاء توانایی‌های خانواده‌ها به منظور عملکرد موثر (مشارکت در فعالیت اقتصادی مولد ثروت و جذب دارایی‌ها و اعتبارات)	چمبرز و کانوی، آمارتی‌سن	مشارکت زنان
پوپولیسیم	مشارکت اجتماع-محور	اجتماعات کوچک	تحریک حمایت‌های مردمی برای تغییر اجتماعی در سطح ملی (مردم در سطوح محلی می‌توانند با ترکیب منابع‌شان در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با اقدامات دولتی مشارکت کامل داشته باشند)	پاتنام	سرمایه اجتماعی
بازارمحور	کارآفرینی	بازار	ارتقاء حمایت از فعالیت بازاری در اجتماعات فقیر	رینفورد، پاراهالد	کارآفرینی اجتماعی
زیست‌گرایی	توسعه پایدار یا محیطی	بازار	استفاده از منابع و ذخایر موجود به طوری که نسل‌های آینده توانایی دسترسی، استفاده و بهره‌وری از این منابع را داشته باشند	گزارش برانت‌لند	وضعیت پایدار
جمع‌گرایی	دولت‌گرا	دولت، اجتماع، خانوار	برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی، توزیع مجدد همراه با افزایش پاسخگویی به نیازهای اساسی و توسعه حق‌محور	میردال، سیرز، گریفن، چینی، استریتن و میجلی	برنامه‌ریزی اجتماعی

منبع: (مبارکی و همکاران، ۱۴۰۲)

بررسی این دسته‌بندی نشان می‌دهد نظریه‌های مختلف هریک با تکیه بر پیش‌زمینه‌های ایدئولوژیک خود، بعد متفاوتی از این مفهوم را بررسی کرده‌اند؛ رویکردهای فردگرایانه، خانواده را محور قرار می‌دهد و بر توانمندسازی اعضای آن برای مشارکت موثر در اقتصاد تاکید دارد. در سوی دیگر، رویکرد پوپولیستی بر مشارکت جمعی و نقش سرمایه اجتماعی در بسیج منابع محلی تمرکز می‌کند. دیدگاه بازارمحور، توسعه اجتماعی را در گرو کارآفرینی و حضور فعال گروه‌های محروم در بازار تلقی می‌کند، درحالی که رویکرد زیست‌گرا بر استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفظ حقوق نسل‌های آینده تاکید دارد. در نهایت رویکرد دولت‌محور با نگاه جمع‌گرایانه، بر برنامه‌ریزی و بازتوزیع منابع برای پاسخگویی به نیازهای اساسی و تحقق عدالت اجتماعی تمرکز دارد.

این مقایسه نشان می‌دهد با توجه به ماهیت نظام اجتماعی و سیاسی ایران که بر نقش دولت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری تأکید می‌شود، اتخاذ رویکرد دولت‌محور در تعریف و شاخص‌سازی توسعه اجتماعی، مناسب‌تر به نظر می‌رسد. این رویکرد با تمرکز بر برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی، بازتوزیع منابع و ارتقای عدالت اجتماعی، بیشترین انطباق را با الزامات سیاست‌گذاری در کشور داشته و می‌تواند مبنای کارآمدی برای طراحی شاخصی بومی فراهم آورد.

سیر تحول شاخص‌های توسعه اجتماعی در جهان

بر اساس آنچه پیرامون تحولات در تعریف و رویکردهای نظری تبیین‌کننده مفهوم توسعه اجتماعی ارائه شد، تلاش‌های قابل توجهی در زمینه توسعه شاخص‌هایی برای سنجش توسعه اجتماعی در سطح بین‌المللی انجام شده که منبع بسیاری از آنها، حول فعالیت‌های سازمان‌های تخصصی مختلف سازمان ملل متحد (مانند برنامه توسعه سازمان ملل متحد^۱، مؤسسه تحقیقاتی سازمان ملل متحد برای توسعه اجتماعی^۲ سازمان بین‌المللی کار، بانک جهانی و امثالهم) و همچنین دانشگاه‌ها، موسسات پژوهشی و سازمان‌های غیردولتی متمرکز شده است. اهداف یکسان این سازمان‌ها و محققان مستقلاً که بر روی ایجاد شاخص‌های بین‌المللی پیشرفت اجتماعی جهانی کار می‌کنند، غالباً تحت عنوان ایجاد ابزارهای جدید برای نظارت بر تغییرات پیش‌رفت یا پس‌رفت اجتماعی در سراسر جهان در طول زمان، ایجاد معیارهای پایه برای ارزیابی تغییرات آتی در توسعه و مبنایی برای ایجاد اهداف توسعه جدید طراحی شده برای پیشبرد اهداف توسعه جهانی و ملی قابل بازشناسی است. نخستین تلاش‌ها برای سنجش توسعه اجتماعی در سطح بین‌المللی عمدتاً در قالب **شاخص‌های رفاه پایه** شکل گرفت. براساس ماده ۵۵ از فصل نهم ماده منشور سازمان ملل، به منظور ایجاد شرایط پایداری و بهزیستی که برای روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین ملت‌ها بر اساس احترام به اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت ملت‌ها ضروری است، سازمان ملل متحد در تلاش برای ترویج:

- استانداردهای بالاتر زندگی، اشتغال کامل و شرایط پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی؛
- راه‌حل مشکلات بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مرتبط و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزشی؛
- احترام جهانی و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تمایز از نظر نژاد، جنس، زبان یا مذهب (United Nations, 2001) بوده است.

هدف اصلی برنامه‌های عملیاتی متعدد سازمان ملل متحد و آژانس‌های تخصصی در زمینه اجتماعی ارتقا "استانداردهای زندگی بالاتر" اعلام شده است. از دیدگاه بین‌المللی، مسئله اندازه‌گیری نه تنها مشکل "چگونگی اندازه‌گیری"، بلکه در مورد "چه چیزی اندازه‌گیری شود"، نیز است. از این رو در سال ۱۹۵۴ گزارشی با عنوان "تعریف و اندازه‌گیری بین‌المللی استانداردها و سطوح زندگی" توسط کمیته‌ای متشکل از کارشناسان با همکاری سازمان بین‌المللی کار و سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد تدوین شد. در این گزارش ۱۲ مولفه (بهداشت، از جمله شرایط جمعیتی، غذا و تغذیه، آموزش، شامل سواد و مهارت، شرایط کار، وضعیت اشتغال، مصرف کل و پس‌اندازها، حمل‌ونقل، مسکن شامل تسهیلات خانگی، پوشاک، تفریح و سرگرمی، تامین اجتماعی و آزادی‌های انسانی) به عنوان اصلی‌ترین مولفه‌های مرتبط با سطح زندگی ارائه شد. به این دلیل دشواری رسیدگی به مولفه‌ها و شاخص‌ها در مدت زمان کوتاه، کمیته شاخص‌های "امید به زندگی در هنگام تولد، نرخ مرگ و میر نوزادان، میانگین ملی منابع غذایی از نظر کالری در سطح خرد در مقایسه با کالری مورد نیاز تخمینی، نسبت کودکان ۵ تا ۱۴ ساله که در مدارس تحصیل یا ثبت‌نام می‌کنند، درصد جمعیت باسواد، بالاتر از سن مناسب، کل و بر اساس جنسیت، نسبت جمعیت فعال اقتصادی بیکار و توزیع درصدی جمعیت فعال اقتصادی به تفکیک رده‌های صنعتی و حرفه‌ای را به عنوان شاخص‌ها با بالاترین اولویت مشخص کرد. همچنین کمیته سه شاخص ترکیبی؛ اقلام کلان اقتصادی مرتبط با درآمد ملی، نسبت شاخص تغییر درآمد ملی (به قیمت ثابت) به شاخص تغییر جمعیت و

1. UNDP

2. UNRISD

میانگین امید به زندگی (در بدو تولد) در سنین مختلف را دارای اولویت اعلام کرد (United Nations, 1954). این شاخص‌ها بیشتر بازتاب‌دهنده نگاه خدمات‌محور و ترمیمی به توسعه اجتماعی بودند؛ به طوری که بر میزان منابع و بهبود استانداردهای زندگی تأکید داشتند.

با تشدید فاصله میان جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه، از اوایل دهه ۱۹۷۰ سنجش توسعه منطقه‌ای مورد توجه زیادی واقع شد و پیشرفت‌هایی نیز در زمینه شاخص‌سازی برای سنجش و کمی کردن این مفهوم به‌ویژه از طریق مقایسه سطح زندگی در مناطق مختلف، ابداع شد. یکی از نخستین مدل‌های روش‌شناختی در این زمینه **مدل اندازه‌گیری سطح زندگی** (به مثابه توسعه اجتماعی) در لهستان بوده است که در سال ۱۹۷۴ از سوی ایواشکیه‌ویچ^۱ ابداع شد. شاخص‌های تعریف‌شده در این مدل برای سنجش نابرابری‌های منطقه‌ای در حوزه اجتماعی از طریق مقایسه سطح زندگی (در سطح کلان) از این قرار بوده است:

- شاخص غذای دریافتی (ارضای نیازهای کالریک، دریافت پروتئین سرانه در روز، درصد کالری غیرنشاسته‌ای)
- شاخص تصرف محل سکونت (کیفیت مسکن، درصد خانه‌های دارای حمام، تراکم اشغال، تعداد افراد برحسب اتاق، استفاده مستقل از مسکن)
- شاخص بهداشت (دسترسی به مراقبت‌های درمانی، تعداد اشخاص بر حسب تخت بیمارستانی، تعداد مبتلایان به بیماری سل، میزان مرگ و میر نوزادان به ازای هر ۱۰۰۰ نوزاد)
- شاخص تحصیلات (درصد جمعیت ۱۷ تا ۲۴ ساله در حال تحصیل، در مدرسه و دانشگاه، شاخص عملکرد مدارس، درصد فارغ‌التحصیلان دانش‌آموز و دانشجو)
- شاخص اوقات فراغت (زمان فراغت، ساعت در سال، تئاتر و سرگرمی شنیداری به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، تعداد اشخاص دارای دستگاه تلویزیون در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت)
- شاخص امنیت (مرگ و میر ناگهانی در هر یک میلیون نفر، افراد تحت پوشش بیمه‌های سلامتی، اشخاص تحت پوشش بیمه بازنشستگی، میزان سوانح کار، به انضمام حوادث منجر به فوت)
- شاخص اضافه درآمد جاری (شاخص اضافه درآمد جاری بر مبنای حداقل هزینه زندگی، اضافه درآمد غیرجاری، شمار اتومبیل شخصی در هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت، شمار یخچال در هر ۱۰۰۰ خانوار) (Smith, 1979)

انستیتوی نوآوری سیاست اجتماعی در دانشگاه فوردهام، میرینگوف از سال ۱۹۸۵ تاکنون در حال بررسی و اندازه‌گیری پیشرفت و توسعه اجتماعی از طریق **شاخص بهداشت اجتماعی** در آمریکا می‌باشند. او با استفاده از شاخص معطوف به سنجش بهداشت اجتماعی وضعیت و عملکرد آمریکا را برای ۱۶ معرف اجتماعی؛ فقر کودکان، نرخ مرگ و میر نوزادان، روندهای جرایم، دسترسی به مراقبت بهداشتی، مسکن ارزان و امثالهم را بررسی نموده است. او عملکردهای مربوط به هر معرف را با شاخصی که به لحاظ آماری توزین شده، ترکیب کرده و سپس از نمره‌های ترکیبی، در ارائه گزارش "وضعیت بهداشت اجتماعی آمریکا" استفاده کرده است. نتایج شاخص بهداشت اجتماعی از رابطه معکوس بین توسعه اقتصادی و پیشرفت در بهداشت اجتماعی کشور خبر می‌دهد که گاهی کاهش چشمگیر بهداشت اجتماعی را در زمانی که اقتصاد به سرعت در حال افزایش است، نشان می‌دهد (Miringoff & Opdyke, 1999).

در سال ۱۹۹۹ در پاسخ به تشخیص نیاز به داشتن معیاری جامع برای بررسی الگوهای در حال تغییر انسجام اجتماعی و حمایت‌های اجتماعی در جامعه آمریکا **شاخص روش یکدست در بررسی وضعیت حمایتی** با چهار هدف؛ مشخص کردن عرصه‌های موفقیت اجتماعی هر ایالت و کشور به عنوان یک کل؛ تعیین عرصه‌هایی که به بهبود نیاز دارد؛ مقایسه

وضعیت کنونی با وضعیت گذشته؛ مقایسه وضعیت هر کدام از ایالت‌ها با وضعیت دیگر ایالت‌ها و کشور به مثابه یک کل واحد (Kay Guinane, 2004). وضعیت مراقبتی از ۳۲ معرف در شش بخش: اقتصاد و رفاه مالی با شش معرف؛ آموزش با ۸ معرف؛ بهداشت با ۸ معرف؛ اراده‌گرایی/ خیریه/ مداخلات مدنی با ۵ معرف؛ امنیت با ۲ معرف و محیط طبیعی و دیگر عوامل با ۳ معرف. یافته‌های حاصل کاربرد وضعیت حمایتی به شکل‌های متنوعی دسته‌بندی و عرضه شده است:

- نمره‌های ترکیبی حمایت اجتماعی برای کشور به صورت یک کل گزارش شده است؛
- نمرات ترکیبی حمایت اجتماعی برای هر ایالت از ایالات متحده گزارش شده است؛
- ارزیابی‌های آماری و کیفی از عملکرد اجتماعی در هر کدام از این شش بخش که وضعیت مراقبتی را پوشش می‌دهد صورت گرفته است.

از سال ۱۹۹۰ انتشار سلسله گزارش‌های سالانه "توسعه انسانی" از سوی برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP) نقطه عطفی در تحول شاخص‌های اجتماعی بود و موجب ارتقا رویکرد عمومی به سنجش توسعه‌یافتگی و یا نابرابری‌ها شد و اندیشمندانی مانند آندروز^۱، ویتی^۲، درونوسکی^۳، گولت^۴، مازلو^۵ و مایلز^۶ شاخص‌هایی برای سنجش توسعه انسانی ارائه نمودند. این شاخص‌های پیشنهادی در چهار دسته **شرایط زندگی** (بهداشت، تغذیه، مسکن، دسترسی به آب و تسهیلات بهداشتی و امثالهم) اشاره دارد. **جنبه اطلاعاتی و فرهنگی** (سوادآموزی، آموزش و پرورش، کتابخانه‌ها، روزنامه‌ها، موسیقی، تئاتر و هنرهای زیبا)، **مسائل اجتماعی** (حقوق بشر، وضعیت زنان، مشارکت، برابری، امنیت فردی، کودکان کار، استعمال مواد مخدر، فساد و وضعیت محیط زیست) و نهایتاً شاخص‌های مربوط به **ذهن و جان آدمی** (همچون خوشبختی، احساس امنیت، رضایتمندی، آرامش، امید به زندگی و امثالهم) (اکبری، ۱۳۸۰: ۳۴) قابل طبقه‌بندی است:

شاخص توسعه انسانی مشتمل بر سه فاکتور اصلی (۱) امید به زندگی، (۲) حضور آموزشی و (۳) درآمد (UNDP, 1990) مشخص می‌کند که کشورهای قید شده در حوزه‌های توسعه انسانی و اجتماعی توسعه‌یافته، در حال توسعه و یا در شرایط نامناسب و در زیر خط توسعه اجتماعی و انسانی واقع شده‌اند. این شاخص در سال ۱۹۹۲ ضمن بکارگیری وسیع‌تر شاخص‌هایی نظیر دسترسی به امکانات بهداشتی و حضور در مقاطع آموزش و به طور کلی انواع دسترسی‌ها، به نحوی اصولی بر شاخص "**توزیع درآمد متعادل شده**" تکیه نموده است. همچنین در گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵ بر نابرابری‌های جنسیتی به عنوان مهم‌ترین زمینه نابرابری‌ها در جوامع تاکید دارد. در گزارش سال ۱۹۹۶ روابط پیچیده بین رشد اقتصادی و توسعه انسانی از طریق احیا مجدد شاخص رشد اقتصادی برای سنجش رفاه و نابرابری در جوامع با رویکردی نوین مورد توجه قرار گرفته که بازگوی تحول روش‌شناختی در سنجش میزان توسعه‌یافتگی بخصوص توسعه اجتماعی و حتی نابرابری‌های اجتماعی می‌باشد (زاهدی، ۱۳۸۴: ۲۶۱)

موضوع گزارش توسعه انسانی در حال حاضر چگونگی درک مجموعه عدم قطعیت‌های پیچیده امروز (که با دگرگونی هدفمند اجتماعی و با تشدید قطبی شدن هدایت می‌شود) و نحوه عبور از آن است. انواع نابرابری‌کانون توجه گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۹ می‌باشد. شکل‌های بیشتر و جدیدی از ناامنی در گزارش ویژه برنامه توسعه سازمان ملل درباره امنیت انسانی مورد بررسی قرار گرفته است. گزارش توسعه انسانی ۲۰۲۱ - ۲۰۲۲ اشکال جدید ناامنی را با موضوع عدم قطعیت ترکیب و به دنبال پاسخ برای چگونگی تغییر، تاثیر بر توسعه انسانی و نحوه مواجهه با آن است. سیاست‌های مواجهه پیشنهادی بر سه دسته **سرمایه‌گذاری** (از انرژی‌های تجدیدپذیر گرفته تا آمادگی برای همه‌گیری‌ها و خطرات طبیعی شدید، کاهش فشارهای سیاره‌ای و مقابله بهتر جوامع با شوک‌های جهانی)، **بیمه** (حمایت اجتماعی، دسترسی به خدمات اولیه، حمایت از حقوق بشر،

مشورت عمومی، فرصت‌های مشارکت گسترده) و نوآوری (فناوری، اقتصادی، فرهنگی) تمرکز یافته‌اند (United Nations, 2022). در واقع سازمان ملل با انتشار گزارشات توسعه انسانی به دنبال گزینش و ساختن شاخص‌های اجتماعی توسعه بود. این رویکرد تحولی روش‌شناختی ایجاد کرد و نشان داد که توسعه اجتماعی باید فراتر از رشد اقتصادی تعریف شود. برای رسیدن به توافقی در این زمینه سال ۱۹۹۵ گردهمایی و نشست سران ۱۱۷ کشور جهان در کنپهاگ دانمارک برگزار شد. دومین اجلاس جهانی برای توسعه اجتماعی و ماوراء آن با عنوان دستیابی به توسعه اجتماعی در دنیای در حال جهانی شدن در ژنو سوییس در سال ۲۰۰۰ برگزار گردید و برگزارکنندگان محورها و ابتکارات آینده اجلاس برای هزاره سوم را بر این اساس برشمردند:

- تدارک اصول سیاست اجتماعی - اقتصادی برای پاسخ‌گویی به بحران‌های مالی
- تدارک دستورالعمل‌های مسئولیت‌های اجتماعی تجارت
- تعیین هدفی جهانی تا سال ۲۰۱۵ برای فقرزدایی نصف مردمانی که در فقر مطلق زندگی می‌کنند.
- استقرار، تقویت و بهبود مدیریت نظام‌های حمایت اجتماعی ملی
- رسمیت و ضمانت دادن به تدارک برنامه عمل جهانی برای اشتغال کامل در جهان یکپارچه
- تاکید مجدد بر سیاست کلان اقتصادی تا جایی که اولویت اهداف اجتماعی در قانون توجه باشد و همراه با اولویت‌های اقتصادی پیگیری شود.
- تقویت رویه‌ها و نهادهایی برای گفتمان اجتماعی، در میان دیگر اقدامات تشویق رشد سازمان‌های جامعه مدنی و تضمین آزادی انجمن‌ها
- تقویت جریان‌های اصلی معطوف به جنس و تشویق برابری جنسیتی در سطح ملی و بین‌المللی
- رسمیت دادن به تدارک برنامه‌های عمل جهانی نوین برای دسترسی به منابع آموزشی برای سال ۲۰۱۵
- دستور تدارک برنامه عمل جهانی برای دستیابی به منابع خدمات اساسی سلامتی برای همه تا سال ۲۰۱۵
- تقویت حمایت از فعالیت‌های مقابله با گسترش AIDS/HIV
- تدارک دستورالعمل برای سیاست‌هایی که هدفشان گردآوری پول برای پرداخت به خدمات اجتماعی، حمایت اجتماعی و دیگر سیاست‌های اجتماعی ملی در متن جهانی شدن است.
- هویت دادن به اشکال موثر تعاون بین‌المللی و هماهنگی سیاست‌های مالیاتی میان کشورها تا جایی که رقابت‌های مالیاتی را حفظ کند.
- ابتکارهای آینده برای کاهش پیوسته بدهی‌های سنگین کشورهای بدهکار درآمد.
- وارونه کردن کاهش جاری در کمک‌های بین‌المللی برای توسعه (ODA) و تلاش برای رسیدن به اهداف بین‌المللی مقبول چنین مساعدت‌ها
- استاندارد کردن شاخص‌های توسعه (United Nations, 2000)، (United Nations, 2000)

در این سند که به سند توسعه اجتماعی شهرت دارد "سران متعهد به انجام اقداماتی نظیر ظرفیت‌سازی و ایجاد فرصت، توانمندسازی، مشارکت اجتماعی، وفاق اجتماعی و سرمایه اجتماعی، تبعیض‌زدایی، شهروندمحوری، امنیت فردی و جمعی، فقرزدایی مشارکتی و اداره مردمی و خردمندانه شدند که می‌تواند اندیشمندان را به اجماع نظر درباره توسعه اجتماعی برساند و موارد تعهدات را موضوع توسعه اجتماعی تلقی کند (پیران، ۱۳۸۴: ۱۲۷-۱۳۱)"

بانک جهانی نیز برای قراردادن توسعه اجتماعی در رویکرد اصلی خود به توسعه شبکه توسعه اجتماعی^۱ را درون خود تشکیل داد. این گروه از سال ۱۹۹۷ الی ۲۰۰۲ با تاکید بیشتر بر فقر و آسیب‌پذیری گروه زنان، جوانان، سالمندان، تاکید بر

در دوره اخیر با رشد و همه گیر شدن توجه به توسعه اجتماعی در جهان، مجامع بین المللی هم راستا با این تغییرات تلاش کردند پیشرفت اجتماعی را مستقیماً و بدون در نظر گرفتن متغیرهای اقتصادی اندازه گیری کنند، در این راستا یک سازمان جهانی غیرانتفاعی در واشنگتن شاخص پیشرفت اجتماعی را جهت بهبود سیاست گذاری در حوزه های سلامت زیست محیطی و سلامت اجتماعی محاسبه نموده است (Green, 2022).

این شاخص مدیرانی از کشورهای مختلف از جمله هند، برزیل و انگلیس را با خود همراه دارد، یکی از بزرگترین مجموعه‌های مدیریت‌شده از داده‌های اجتماعی و محیط‌زیستی در جهان است و تنها ابزار اندازه‌گیری برای تمرکز انحصاری جامع و سیستماتیک بر ابعاد غیراقتصادی^۱ عملکرد اجتماعی در سراسر جهان با داده‌های شفاف و عملی است. انتخاب شاخص‌ها با پیروی از چهار اصل کلیدی؛ تاکید بر شاخص‌های اجتماعی و محیط‌زیستی، تاکید بر خروجی و نه ورودی‌ها، جامع‌نگری و عمل‌پذیری انجام شده است. پیشرفت اجتماعی را به عنوان "ظرفیت یک جامعه برای پاسخگویی به نیازهای اساسی شهروندان و ایجاد شرایطی برای افراد و سازمان‌ها که با استفاده از مهارت‌های خود کیفیت زندگی‌شان را افزایش دهند"، تعریف کرده که با ترکیب سه بعد نیازهای اساسی انسانی^۲، بنیان‌های تندرستی و بهزیستی^۳، فرصت‌ها^۴، دوازده مؤلفه و شصت شاخص برای سنجش عملکرد اجتماعی ۱۶۹ کشور به طور کامل و ۲۷ کشور دیگر به طور جزئی بکار گرفته شده است (social progress imperative, 2015).



جارچوب شاخص پیشرفت اجتماعی (Green, 2022)

2. Basic Human Needs
3. Foundations of Well-being
4. Opportunity

در ادامه تحولات و تمرکز بر افراد، لزوم انطباق ابعاد توسعه با شرایط گوناگون، لزوم رویکرد مشارکتی مردم در کاهش فقر، پشتیبانی از نقش قوی دولت، توجه به گروه‌های حاشیه‌ای و محروم، توجه به مردم به عنوان عضو گروه، توجه به یکپارچگی و ثبات اجتماعی، سرمایه اجتماعی، نهادها و روابط، سازمان‌های محلی و نهایتاً تمرکز بر این که مردم دلیل و عامل توسعه هستند موسسه بین‌المللی مطالعات اجتماعی^۱ وابسته به دانشگاه اراسموس هلند بخشی عمده‌ای از فعالیت خود را پیرامون تعریف توسعه اجتماعی و شاخص‌های معرف آن بر اساس رویکرد حاصل از فعالیت شبکه توسعه اجتماعی بانک جهانی متمرکز نمود. (مبارکی، شهبازی، و مصطفوی، ۱۴۰۲) این شبکه با استفاده از رؤس اصلی چشم‌انداز خود؛ اهمیت استفاده از تحلیل‌های اجتماعی برای شناسایی مسائل اجتماعی، استفاده از تجارب و مهارت‌های شبکه در کاهش فقر، استفاده از توانایی‌های شبکه در راستای افزایش فعالیت‌های مدنی به جهت شناسایی مسائل خاص اجتماعی کشورها بود. در واقع دست‌اندرکاران توسعه اجتماعی به جای دفاع از قوانین جهانی به خصوصیات منحصر به فرد جوامع برای ارائه الگوهایی سازگار با خصوصیات محلی آنها علاقمند هستند (Davis, 2004).

بنا بر بررسی‌های این موسسه "توسعه اجتماعی در مفهوم کلی آن نهادهای اجتماعی غیررسمی هستند که افراد را قادر می‌سازند بهینه‌ترین استفاده را از مهارت‌ها و امکانات خود داشته تا کیفیت زندگی‌شان را ارتقاء دهند." هدف شاخص‌های توسعه اجتماعی، بهره‌گیری از پیشرفت‌های جهانی برای پی‌ریزی و تداوم نهادهایی است که زمینه‌ساز بهزیستی انسان‌ها می‌شوند (ISS, 2020) بر اساس این تعریف، شاخص‌های توسعه اجتماعی^۲ عبارتند از :

- **فعالیت‌های مدنی**^۳ که به هنجارها، سازمان‌ها و عملکردهای اجتماعی اشاره دارد، که دخالت بیشتر شهروندان در سیاست‌ها و تصمیم‌های عمومی را تسهیل می‌نماید. این خدمات عبارتند از دسترسی به انجمن‌های مدنی، مشارکت در رسانه‌ها و ابزارهای مشارکت در فعالیت‌های مدنی همچون اعتراضات بدون خشونت.
- **انجمن‌ها و کانون‌ها**^۴ گستره‌ای که در آن اجتماعات محلی درون شهرها، محلات و روستاها را می‌سجد. این اجتماعات محلی برای اطمینان از این که افراد هنگام مشکلات تنها گذاشته نمی‌شوند، ضروری است. اجتماعات محلی اولین شبکه امنیت فقرا هستند. در جاهایی که این اجتماعات قوی هستند افراد قادرند اثر ناگهانی مسائل و مشکلات را بوسیله حمایت دوستان، همسایگان و هم محلی‌ها بهتر مدیریت نمایند. اما جاهایی که این اجتماعات ضعیف هستند، افراد در صورت فقر یا بلایای طبیعی بیشتر در معرض خطرند و شبکه‌های حمایتی کمتری برای تسهیل روند توسعه اقتصادی و اجتماعی دارند.
- **یکپارچگی درون‌گروهی**^۵ اشاره به روابط همکاری، احترام بین گروه‌های هویتی در جامعه دارد و گستره‌ای است که در آن یکپارچگی اجتماعی بین گروه‌های مذهبی، قومی و زبانی بدون گرایش به سمت آشوب‌ها و خشونت‌های درون‌گروهی تعریف شده سنجیده می‌شود.
- **امنیت و اعتماد بین‌شخصی**^۶ گستره‌ای که در آن یکپارچگی اجتماعی بین غریبه‌ها از طریق اعتمادسازی، عمل متقابل و حذف نیت سوء سنجیده می‌شود. در جامعه‌ای که اعتماد و امنیت بین‌شخصی بالاست، جرم‌های خشونت‌آمیز نادر بوده و افراد ترس از تجاوز به حقوق فردی و مالکیتی خویش ندارند.
- **برابری جنسیتی**^۷ گستره‌ای که در آن زنان مانند مردان در زمینه‌های آموزشی، اشتغال، خانه و زندگی سیاسی فرصت برابر دارند، سنجیده می‌شود.

1. International Institute of Social Studies (ISS)

2. The Indices of Social Development

3. Civic Activism

4. Club and Associations

5. Intergroup Cohesion

6. Interpersonal Safety and Trust

7. Gender Equality

- **مشارکت اقلیت‌ها**^۱ گستره‌ای که در آن میزان تبعیض در برابر گروه‌های آسیب‌پذیر (حاشیه‌ای و محروم) مردم بومی، مهاجرین، پناهندگان سنجیده می‌شود (ISS, 2020).

در این موسسه توسعه اجتماعی سازه‌ای متشکل از نهادهاست که از طریق آنها توسعه ایجاد می‌شود، منظور از نهاده‌ها، هنجارهای اجتماعی رسمی و غیررسمی است که ساخت رفتارها را برعهده دارند، توسعه در این معنا با دربرگرفتن مفاهیمی همچون سرمایه اجتماعی، تبعیض و طرد اجتماعی در ابعاد نرم مدنظر است که در مقابل و در عین حال مکمل ابعاد سخت توسعه مانند شاخص‌های اقتصادی و زیستی است و اندازه‌گیری آن دشوار است (فاضلی، فتاحی، و زنجان رفیعی، ۱۳۹۲). شاخص دیگر برای سنجش توسعه اجتماعی توسط موسسه لگاتوم ارائه شده که به **شاخص کامیابی**^۲ شهرت دارد. این شاخص با ترکیب داده‌های نظرسنجی گالوپ^۳ و پیمایش ارزش‌های جهانی^۴ در قالب ۸۹ متغیر زیرمجموعه ۸ شاخص اصلی اقتصاد^۵، کارآفرینی و فرصت^۶، حکمرانی^۷، آموزش^۸، سلامت^۹، ایمنی و امنیت^{۱۰}، آزادی فردی^{۱۱} و سرمایه اجتماعی^{۱۲} رتبه‌بندی از سایر کشورهای جهان ارائه می‌دهد (Legatum Institute, 2012). در گزارش ۲۰۲۱ این موسسه با تاکید بر پاندمی کرونا با تغییراتی در شاخص‌ها و مولفه‌های اصلی، شاخص را متشکل از ۱۲ رکن بر اساس ۶۷ حوزه سیاستی قابل اجرا (عناصر) ساخته که توسط ۳۰۰ شاخص پشتیبانی می‌شود. ارکان اصلی این شاخص عبارتند از:

- **ایمنی و امنیت:** سنجش سطح امنیت افراد، از طریق اندازه‌گیری نرخ درگیری، جرم و جنایت و جنگ (اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت)
- **آزادی فردی:** اندازه‌گیری سطح پیشرفت به سمت حقوق اولیه قانونی، آزادی‌های فردی و مدارای اجتماعی
- **حکمرانی:** سنجش میزان کنترل و محدودیت قدرت و عملکرد مؤثر و بدون فساد دولت‌ها
- **سرمایه اجتماعی:** اندازه‌گیری قدرت روابط فردی و اجتماعی، اعتماد نهادی، هنجارهای اجتماعی و مشارکت مدنی در یک کشور
- **محیط سرمایه‌گذاری:** اندازه‌گیری میزان حفاظت و حمایت از سرمایه‌گذاری‌ها و دسترسی آسان به آنها
- **شرایط سازمانی:** اندازه‌گیری سطح رقابت‌پذیری، انعطاف‌پذیری و گشودگی در مقررات حوزه کسب‌وکار
- **زیرساخت و دسترسی به بازار:** سنجش کیفیت زیرساخت مؤثر در تجارت و نوسانات در بازار کالاها و خدمات
- **کیفیت اقتصادی:** اندازه‌گیری ظرفیت اقتصادی مبتنی مشارکت نیروی کار برای تولید ثروت پایدار
- **شرایط زندگی:** سنجش سطح کیفیت زندگی برای همه، از جمله منابع مادی، سرپناه، خدمات اساسی و زیرساخت‌های ارتباطی
- **آموزش:** محاسبه نرخ ثبت‌نام، نتایج و کیفیت، در چهار مقطع آموزش (آموزش پیش دبستانی، ابتدایی، متوسطه و عالی) و همچنین مهارت‌ها در جمعیت بزرگسال.
- **سلامت:** سنجش وضعیت سلامت مردم و دسترسی به خدمات لازم برای حفظ سلامتی از جمله وضعیت سیستم‌های بهداشتی، بیماری‌ها و عوامل خطر، و میزان مرگ و میر.

1. Inclusion of Minorities
2. Prosperity index
3. Gallup
4. World values survey
5. Economy
6. Entrepreneurship and opportunity
7. Governance
8. Education
9. Health
10. Safety and security
11. Personal freedom
12. Social capital

– **محیط طبیعی:** جنبه‌هایی از محیط فیزیکی را اندازه‌گیری می‌کند که تأثیر مستقیمی بر زندگی روزمره افراد دارد و تغییراتی که ممکن است بر رفاه نسل‌های آینده تأثیر بگذارد (Legatum Institute, 2021).

در واقع در دهه‌های اخیر، سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای مستقل، چارچوب‌های تازه‌ای را معرفی کردند که این شاخص‌ها منعکس‌کننده تغییر پارادایم از رفاه ترمیمی به سمت رفاه توانمندساز و اجتماع‌محور بوده و در کنار شاخص‌های کمی، به مفاهیم نرم‌افزاری توسعه مانند اعتماد اجتماعی، امنیت و برابری توجه دارند. در مجموع، سیر تحول شاخص‌های توسعه اجتماعی نشان می‌دهد که این شاخص‌ها از تمرکز بر ابعاد زیستی و اقتصادی به سمت ابعاد چندبعدی و اجتماع‌محور مانند برابری، امنیت، سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی حرکت کرده‌اند. با توجه به تغییر و تحولات مفهومی و روند شاخص‌های سنجش توسعه اجتماعی در دنیا، با در نظر گرفتن شرایط بافتاری ایران و پتانسیل کاربست شاخص‌ها جهت اقدامات مداخله‌ای، در ادامه به بررسی تعریف این مفهوم و شاخص‌هایی که نشان‌دهنده وضعیت توسعه اجتماعی در ایران هستند، پرداخته خواهد شد.

روش‌شناسی

روش این مطالعه مروری انتقادی است، ابتدا با مرور اسناد و متون علمی، سیر تاریخی تکوین مفهوم توسعه اجتماعی، دسته‌بندی تعاریف، و تحولات نظری مرتبط بررسی شده است. سپس تغییرات شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه اجتماعی و نحوه اندازه‌گیری آن در ایران تحلیل شده است. به این منظور، یک شاخص ترکیبی با استفاده از روش ناردو و همکاران در ساخت شاخص ترکیبی^۱ (OECD, 2008) (Mazziotta, M & Pareto, A, 2003) به عنوان ابزار تحلیلی بدیع و متناسب با بافتار ایران برای سنجش توسعه اجتماعی ساخته شد. در مراحل ساخت ۲۰۵ معرف در ۱۵ دسته شاخص؛ (جمعیتی، آموزشی، بهداشت و سلامت، اقتصادی، بیمه و تامین اجتماعی، فرهنگی، زیرساختی و مسکن، امنیت، اخلاق و سرمایه اجتماعی ...) به دست آمد که پس از انجام آزمون‌های استحکام و حساسیت و اعتبارسنجی نخبگانی برای مجموعه‌ای از ۱۱ شاخص (مشمول بر ۸۹ معرف) در سه گروه؛ بهره‌مندی از انواع امکانات و خدمات (سرمایه انسانی و بهره‌مندی)، سطح دسترسی به انواع امکانات و خدمات (سرمایه زیرساختی و دسترسی) و کم و کیف وضعیت انسجام اجتماعی (سرمایه اجتماعی و انسجام)، ابعاد مختلف توسعه اجتماعی در ایران حاصل گردید.

شاخص‌سازی توسعه اجتماعی در ایران

مفهوم	بعد	شاخص
توسعه اجتماعی	سرمایه انسانی و بهره‌مندی	بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی بهره‌مندی از فرصت‌های بهداشت و سلامت بهره‌مندی از فرصت‌های اشتغال و تامین اجتماعی دسترسی به امکانات و خدمات فرهنگی
	سرمایه زیرساختی و دسترسی	دسترسی به امکانات و خدمات بهداشت و سلامت دسترسی به امکانات و خدمات آموزشی دسترسی به امکانات و خدمات زیرساختی و مسکن دسترسی به امکانات و خدمات اجتماعی
	سرمایه اجتماعی و انسجام	انجمن‌ها و کانون‌های همیاری اخلاق توسعه اعتماد اجتماعی

۱. روش Nardo و همکاران توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) برای ساخت شاخص ترکیبی توسعه استفاده می‌شود، دارای ده مرحله است، ۶ گام اول مربوط به ساخت شاخص ترکیبی (چارچوب نظری، انتخاب داده، تصمیم‌گیری درباره داده‌های مخدوش، تحلیل چندمتغیره، نرمال‌سازی، وزن‌دهی و تجمیع)، دو گام بعدی مرتبط با ارزیابی نحوه ساخت (ارزیابی استحکام داده، برگشت به داده) و دو مرحله آخر به راه‌های ارائه و انتشار شاخص (ارتباط و نمایش نتایج) می‌باشد.

داده‌ها از منابع رسمی شامل سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالنامه‌های آماری، گزارشات سازمان‌های متولی نظیر (مرکز آمار ایران، وزارت بهداشت و درمان، سازمان ثبت احوال، سازمان تامین اجتماعی، بهزیستی، وزارت راه و شهرسازی، سازمان اجتماعی کشور، کمیته امداد، وزارت ارتباطات، آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت راه و شهرسازی، نیروی انتظامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ...) و نتایج و اطلاعات مربوط به طرح‌های پژوهشی ملی معتبر جمع‌آوری شد. سپس با انجام **مراحل محاسباتی ساخت شاخص ترکیبی و رفع چالش‌های روش‌شناختی** (مبارکی و همکاران، ۱۴۰۳) از جمله؛ تعداد بالای متغیرها و یافتن ساختار ارتباطی بین متغیرها، ناهمسانی واحد سنجش شاخص‌ها، اهمیت نسبی یا وزن متفاوت شاخص‌ها، هم جهت نبودن برخی شاخص‌ها، برابر شدن واریانس برای کلیه متغیرها، محاسبه وزن منفی برای برخی شاخص‌ها، با تکنیک مناسب نظیر؛ تقسیم بر میانگین^۱ برای رفع اختلاف مقیاس^۲ و تحلیل مولفه‌های اصلی^۳ برای وزن‌دهی و ترکیب شاخص‌ها، رفع گردید^۴. در نهایت پایگاه داده یکپارچه با قابلیت بروزرسانی برای سنجش وضعیت موجود توسعه اجتماعی شکل گرفت و وضعیت شاخص‌های توسعه اجتماعی ۳۱ استان و ۴۵۷ شهرستان کشور در قالب پایگاه داده‌ای مشتمل بر ۲۰۳۹۱۳ سلول اطلاعات اندازه‌گیری و تحلیل شد.

یافته‌های پژوهش

ردگیری تاریخی و مناقشات نظری در فرایند تحول مفهوم توسعه اجتماعی، مشخص می‌نماید این مفهوم تا حد زیادی یک مفهوم عملیاتی و زمینه‌مند است، تا جایی که نظریات مرتبط با آن زیاد برجسته و مشخص نیست (Migdelly, 2014)، این در حالی است که رویکردهای نظری یا هنجاری سه‌گانه فردگرایانه (بازارمحور)، پوپولیستی (اجتماع‌محور) و دولت‌گرا (با گستره‌ای از ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها و رویه‌ها) به عنوان ریشه‌های ایدئولوژیک^۵ فرایند توسعه اجتماعی (Migdelly, 2014) که در عین حال نقش کارگزاران اجرایی در توسعه اجتماعی را اولویت‌بندی می‌کنند، تاثیر عمده‌ای بر تعریف، تعیین ابعاد و سطوح توسعه اجتماعی می‌گذارند. اما واقعیت این است که بسیاری از تعاریف موجود، دست کم تاکید نظری و روشی خود را به یکی از سطوح خرد، میانه و کلان در قالب رویکردهای بازارمحور فردگرا، پوپولیستی اجتماع‌محور و برنامه‌ریزی اجتماعی دولت‌گرا، تقلیل می‌دهند و کمتر به بازبرساخت تلفیقی سطوح، روابط بین آنها با در نظر گرفتن ظرفیت عاملان نهادی توسعه با هدف امکان مداخلات سیاستی پرداخته‌اند و غالبا با تقلیل‌گرایی مفهومی، شناختی و روشی، تنها بعضی از جلوه‌های توسعه اجتماعی را تبیین نموده‌اند، البته این به آن معنا نیست که فاقد توان نظری و روشی هستند، بالعکس هرکدام از آنها در جای خود و با توجه به مساله کانونی‌شان، ارزش خاص خود را دارند و توانسته‌اند حوزه خاصی از موضوع چندبعدی و سیال انسان، اجتماع و نهادها در زمانه و زمینه مورد نظر خود را هدف قرار بدهند (مبارکی، شهبازی، و مصطفوی، ۱۴۰۲). بنابراین، در این مقاله برای جلوگیری از تفسیر تقلیل‌گرایانه، عدم تمرکز بیش از حد بر دیدگاهی خاص، فراهم کردن حضور دیدگاه‌های جایگزین و برقراری روابط متوازن جهت جلوگیری از سرکوب، تحریف و یا پنهان کردن تناقض‌های رویکردهای سه‌گانه و در عین حال پاسخ به انتظارات روشی و مفهومی؛ توسعه اجتماعی به مثابه، ارتقاء کیفیت سیستم اجتماعی از طریق؛ توزیع عادلانه امکانات و خدمات زیرساختی (اقتصادی و اجتماعی) و به‌شکل همزمان، سرمایه‌گذاری و بهره‌مندی از سرمایه‌انسانی و اجتماعی، جهت تحقق رفاه اجتماعی در جامعه^۶ تعریف شده است.

✓ سرمایه انسانی؛ نیروی انسانی سالم، آموزش‌دیده و سازماندهی‌شده که با تعامل جمعی، همکاری و مشارکت، سبب تولید و ایجاد ارزش افزوده و نهایتاً افزایش استانداردهای زندگی فردی و اجتماعی می‌شود.

1. Division by Mean

2. Elimination Method

3. Principal component analysis

۴. برای توضیحات تفصیلی درباره مراحل طراحی، انتخاب شاخص‌ها، وزن‌دهی و اعتبارسنجی شاخص ترکیبی توسعه اجتماعی، به مقاله روش‌شناسی ساخت شاخص ترکیبی توسعه اجتماعی: تصمیمات کلیدی و نتایج، منتشرشده در مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۹۷، سال ۱۴۰۴ مراجعه شود

5. Ideological roots

- ✓ سرمایه زیرساختی: امکانات و خدماتی است که هر نقطه سکونتگاهی بایستی به آن مجهز باشد تا بتواند روال زندگی و نیازهای اساسی خود در بخش‌های مختلف شبکه راه‌ها، انرژی، مسکن، صنعت و تجارت و آموزش، بهداشت، فرهنگ و فراغت و امثالهم را برآورده سازد.
- ✓ سرمایه اجتماعی شامل شبکه‌های روابط اجتماعی؛ هنجارها و برداشت‌های مشترک، همچنین اعتماد اجتماعی بین اشخاص، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی است که همیاری در/ بین مردم را برای تحقق منافع مشترک‌شان تسهیل می‌کند.

ابعاد اصلی توسعه اجتماعی در ایران

✓ سرمایه انسانی و بهره‌مندی	✓ سرمایه زیرساختی و دسترسی	✓ سرمایه اجتماعی و انسجام
✓ بهره‌مندی از فرصت‌های آموزشی	✓ دسترسی به امکانات و خدمات فرهنگی	✓ انجمن‌ها و کانون‌ها
✓ بهره‌مندی از فرصت‌های بهداشتی و سلامت	✓ دسترسی به امکانات و خدمات بهداشتی و سلامت	✓ اعتماد اجتماعی
✓ بهره‌مندی از فرصت‌های اشتغال و تامین اجتماعی	✓ دسترسی به امکانات و خدمات زیرساختی و مسکن	✓ اخلاق توسعه
	✓ دسترسی به امکانات و خدمات اجتماعی	

به عبارت دیگر توسعه اجتماعی شامل، اول) توزیع مداوم و عادلانه امکانات، خدمات و فرصت‌ها در جهت افزایش سطح دسترسی و پاسخ‌گویی به نیازهای افراد، با هدف کاهش فقر و نابرابری، دوم) ارتقا قابلیت‌های انسانی جامعه از طریق افزایش بهره‌مندی از امکانات، خدمات و فرصت‌ها جهت دستیابی به اشتغال دائم، با هدف افزایش درآمد، ارتقا تولید و بهبود اقتصادی، سوم) سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی از طریق تراکم انجمن‌ها و نهادهای اجتماع‌محور و هنجارهای مرتبط با آن در راستای تسهیل و ارتقا تعاملات در ابعاد انسانی، اقتصادی و زیرساختی با هدف افزایش انسجام اجتماعی می‌باشد. بنابراین مفاهیم "سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فیزیکی" توسعه اجتماعی را در قالب ابعاد سه‌گانه سرمایه‌انسانی و بهره‌مندی^۱، سرمایه اجتماعی و انسجام^۲، سرمایه زیرساختی و دسترسی^۳ فرموله می‌کنند و بیشترین نمایشگری و قرابت مفهومی را با مفهوم توسعه اجتماعی دارند (مبارکی و همکاران، ۱۴۰۲).

ابعاد سه‌گانه شاخص بومی توسعه اجتماعی در ایران بر مبنای پیوند با رویکردهای نظری شکل گرفته‌اند؛ بعد سرمایه انسانی و بهره‌مندی ریشه در رویکردهای دولت‌گرا و رفاه‌محور دارد که بر برنامه‌ریزی اجتماعی و تأمین فرصت‌های برابر در آموزش، سلامت و اشتغال تأکید می‌کنند. بعد سرمایه زیرساختی و دسترسی بازتابی از دیدگاه‌های ساختاری و نهادی که توسعه اجتماعی را وابسته به توزیع عادلانه امکانات و خدمات عمومی در سطح ملی و محلی می‌دانند و به نقش دولت در ایجاد زیرساخت‌های رفاهی، آموزشی و مسکن توجه دارند.

در مقابل، بعد سرمایه اجتماعی و انسجام متأثر از رویکردهای اجتماع‌محور و نظریه‌های سرمایه اجتماعی است که بر اهمیت انجمن‌ها، هنجارهای اخلاقی و اعتماد متقابل در توانمندسازی اجتماع و ایجاد همبستگی اجتماعی تأکید دارند.

1. Human Capital & Availability
2. Social Capital & Integration
3. Infrastructural Capital & Accessibility

بدین ترتیب، شاخص‌های انتخاب‌شده تنها جنبه‌های کمی و عینی توسعه را بازتاب نمی‌دهند، بلکه تداوم منطقی رویکردهای نظری مختلف در زمینه تعریف و تحقق توسعه اجتماعی را نیز در قالب ابعاد خرد، میانی و کلان منعکس می‌سازند. بر این اساس، شاخص بومی توسعه اجتماعی در ایران را می‌توان حاصل نوعی سازش میان رویکردهای نظری مختلف دانست؛ سازشی که اگرچه ناگزیر از انعکاس دولت‌گرایی مسلط در نظام اجتماعی و سیاسی ایران است، اما با گنجاندن مؤلفه‌هایی از سرمایه اجتماعی و انسجام، تلاش دارد تا به انتقادات رویکردهای اجتماع‌محور نیز پاسخ دهد. این تلفیق، هم نشان‌دهنده ظرفیت غنی نظری شاخص بومی است و هم محدودیت‌های آن را در پرتو تنش‌های نظری موجود آشکار می‌سازد. در ادامه این اندازه‌گیری و نتایج آن با نحوه اندازه‌گیری و نتایج اندازه‌گیری شاخص رفاه لگاتیوم در سال ۲۰۲۳ مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج وضعیت شاخص‌های توسعه اجتماعی در ایران و جهان

وضعیت نمره‌ای و رتبه‌ای شاخص‌های توسعه اجتماعی بر اساس محاسبه شاخص ترکیبی، نشان می‌دهد میانگین وضعیت توسعه اجتماعی در ایران در حد متوسط است (۵۰,۱۹). منحنی توزیع نرمال آن نامتقارن بوده و چولگی مثبت دارد؛ یعنی مقادیر توسعه اجتماعی غالب استان‌ها (۱۷ استان) در زیر میانگین قرار دارند، استان تهران (۸۳,۰۲)، با امتیاز سطح نسبتاً مطلوب رتبه ۱ و استان‌های قم (۶۵,۳۸)، یزد (۵۸,۹۹) و البرز (۵۶,۶۲)، سمنان (۵۵,۳۲)، اصفهان (۵۴,۹۵)، با امتیاز سطح متوسط رتبه ۲ تا ۶ را به خود اختصاص داده‌اند (فاصله زیاد بین استان اول و دوم). همچنین استان‌های لرستان (۴۵,۲۶)، کرمان (۴۵,۱۶) و کردستان (۴۴,۹۳) با امتیاز سطح نسبتاً نامطلوب رتبه ۲۸، ۲۹ و ۳۰ و استان سیستان و بلوچستان (۴۰,۱۵)، با امتیاز سطح نامطلوب رتبه ۳۱ را داشته است.

در رتبه‌بندی ۴۵۷ شهرستان، شهرستان‌های تهران و شمیرانات بالاترین و شهرستان‌های سرباز، راسک، رودبارجنوب، قصرقند و خوشاب از استان‌های هرمزگان و سیستان و بلوچستان پایین‌ترین میانگین را برای توسعه اجتماعی به دست آورده‌اند. بیشترین نابرابری در سرمایه زیرساختی و دسترسی و سپس سرمایه اجتماعی و انسجام و کمترین نابرابری در بعد سرمایه انسانی و بهره‌مندی قابل مشاهده است. به عبارتی دیگر متغیرهای تشکیل‌دهنده این دو بعد از توسعه اجتماعی به طور نامتعادل‌تری در بین مناطق توزیع شده‌اند.

در جدیدترین گزارش شاخص کامیابی لگاتیوم در سال ۲۰۲۳، ایران نمره ۴۷,۷ را کسب کرده است و در رتبه ۱۲۶ قرار دارد. طبق این گزارش بهترین رتبه ایران مربوط به شاخص بهداشت با نمره ۷۹,۴۳ و رتبه ۵۸ و کمترین مربوط به شاخص آزادی‌های فردی با نمره ۱۷,۰۹ و رتبه ۱۶۵ در بین کشورهای دنیا، می‌باشد. رتبه اول شاخص لگاتیوم در بین کشورهای دنیا مربوط به کشور دانمارک با نمره ۸۴,۵۵ می‌باشد.



مقایسه وضعیت ایران و دانمارک

نتایج مربوط به میزان توسعه اجتماعی با توجه به نتایج شاخص رفاه لگاتیوم و شاخص ترکیبی توسعه اجتماعی در ایران

legatum		وضعیت ایران			شاخص ترکیبی توسعه اجتماعی در ایران		
عنوان	تعریف	نوع	نمره	رتبه	نوع	تعریف	عنوان
Education	این زیرشاخص کشورها را از نظر دسترسی به آموزش، کیفیت آموزش و سرمایه انسانی رتبه‌بندی می‌کند.	Sub-Indices	۶۳٫۷۵	۷۸	شاخص	این شاخص وضعیت کشور را از نظر سطح، میزان و بهره‌مندی گروه‌های مختلف از سواد نشان می‌دهد.	بهره‌مندی از امکانات آموزشی
					شاخص	این شاخص نقاط مختلف کشور را از نظر نابرابری فضایی در زمینه دسترسی به خدمات و امکانات آموزشی بررسی می‌کند.	دسترسی به امکانات و خدمات آموزشی
Health	این زیرشاخص عملکرد یک کشور را در سه مورد اندازه‌گیری می‌کند: بهداشت اولیه جسمی و روانی، زیرساخت‌های بهداشتی و مراقبت‌های پیشگیرانه	Sub-Indices	۷۴٫۹۳	۵۸	شاخص	این شاخص عملکرد کشور را در سه مورد اندازه‌گیری می‌کند: نرخ مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال، نرخ مرگ و میر شهر و روستا و جمعیت روستایی دارای آب آشامیدنی	بهره‌مندی از فرصت‌های بهداشتی و سلامت
					شاخص	این شاخص توزیع عادلانه و برعکس آن، تبعیض، تفاوت و شکاف در توزیع جغرافیایی امکانات و خدمات در بخش بهداشتی و درمانی را بررسی می‌نماید.	دسترسی به امکانات و خدمات بهداشتی و سلامت
Enterprise Conditions	این زیرشاخص افزایش فعالیت‌های نوآورانه و برابری فرصت در کشورها را می‌سنجد.	Sub-Indices	۳۹٫۳۰	۱۲۹	-	-	-
Governance	عملکرد کشورها را در سه حوزه دولت پاسخگو و کارآمد، انتخابات آزاد، مشارکت سیاسی و حاکمیت قانونی ارزیابی می‌کند.	Sub-Indices	۳۱٫۸۳	۱۴۶	-	-	-
Economic Quality	این زیرشاخص عملکرد کشورها را در چهار حوزه سیاست‌های اقتصاد کلان، رضایت و چشم‌اندازی اقتصادی، بنیان‌های رشد و کارایی بخش مالی مورد سنجش قرار می‌دهد.	Sub-Indices	۳۸٫۹۳	۱۳۸	-	-	-
Market Access and Infrastructure	این زیرشاخص کشورها را از نظر فرصت‌های دسترسی به بازارها و زیرساخت‌های اصلی فعالیت اقتصادی ارزیابی می‌نماید.	Sub-Indices	۵۰٫۳۴	۱۰۲	شاخص	این شاخص مناطق مختلف کشور را از نظر امکاناتی که به طور مستقیم بر فعالیت‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد بررسی کرده است.	دسترسی به امکانات و خدمات زیرساختی و مسکن
-	-	-	-	-	شاخص	این شاخص وضعیت مناطق مختلف کشور را از حیث وضعیت اشتغال، اختلاف بین زنان و مردان و افراد تحصیل کرده از نظر میزان اشتغال، همچنین بهره‌مندی افراد را از مزایای تامین اجتماعی (حقوق بازنشستگی، بیمه) بررسی می‌کند.	بهره‌مندی از فرصت‌های اشتغال و تامین اجتماعی
-	-	-	-	-	شاخص	این شاخص وضعیت مناطق مختلف کشور را از نظر نحوه توزیع امکانات فرهنگی با توجه به سه عامل جمعیت و وسعت و تعداد نقاط سکونتگاهی بررسی می‌کند.	دسترسی به امکانات و خدمات فرهنگی

نتایج مربوط به میزان توسعه اجتماعی با توجه به نتایج شاخص رفاه لگاتیوم و شاخص ترکیبی توسعه اجتماعی در ایران

legatum		وضعیت ایران			شاخص ترکیبی توسعه اجتماعی در ایران		
عنوان	تعریف	نوع	نمره	رتبه Z	نوع	تعریف	عنوان
-	-	-	-	-	شاخص	این شاخص امکاناتی که استانداردهای امکانات و خدمات زندگی را به طور عمده تحت تأثیر قرار می‌دهند، نظیر انواع حمایت اجتماعی از شاخص طریق مشارکت سازمان‌های غیردولتی، گروه‌های اجتماع محلی بررسی می‌نماید.	دسترسی به
Social Capital	این زیرشاخص ناظر بر عملکرد کشورها در حوزه ارتباطات فردی، شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای جامعه و مشارکت مدنی است	Sub-Indices	۴۸,۹۶	۱۲۲	شاخص	این شاخص وجه ساختاری سرمایه اجتماعی و عضویت در شبکه‌های فردی و اجتماعی افراد در مناطق مختلف کشور را بررسی می‌نماید.	شاخص انجمن‌ها
					شاخص	این شاخص میزان اعتماد بین اشخاص، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی را در مناطق مختلف کشور بررسی می‌کند.	شاخص اعتماد
					شاخص	این شاخص میزان رواج ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی را در مناطق مختلف کشور بررسی می‌کند.	شاخص اخلاق توسعه
					شاخص	این شاخص میزان رواج شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی را در مناطق مختلف کشور بررسی می‌کند.	در شاخص سرمایه اجتماعی
Safety and Security	کشورها را از دو منظر امنیت ملی و ایمنی فردی مورد ارزیابی قرار می‌دهد.	Sub-Indices	۵۷,۵۵	۱۳۰	شاخص	این شاخص میزان رواج شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی را در مناطق مختلف کشور بررسی می‌کند.	در شاخص سرمایه اجتماعی
Personal Freedom	آزادی فردی عملکرد و پیشرفت کشورها را در صیانت از آزادی‌های فردی و ارتقاء رواداری اجتماعی می‌سنجد.	Sub-Indices	۱۷,۰۹	۱۶۵	شاخص	این شاخص میزان رواج ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی را در مناطق مختلف کشور بررسی می‌کند.	شاخص اخلاق توسعه

همان‌طور که از داده‌های جدول مشخص است؛ هر دو شاخص در بررسی وضعیت توسعه اجتماعی بر وجه کیفی زندگی مانند آموزش، سلامت و سرمایه اجتماعی تأکید دارند، به نابرابری‌ها و توزیع عادلانه منابع توجه نموده‌اند و ترکیبی از شاخص‌های عینی و ادراکی را استفاده کرده‌اند. همچنین هر دو این شاخص‌ها سرمایه اجتماعی را به عنوان بعد مستقلی لحاظ کرده‌اند. اما علاوه بر این شباهت‌ها در مواردی از هم متفاوت هستند؛ از حیث مبنای سنجش شاخص بومی تأکید بر تفاوت‌های درون مناطق و نابرابری‌های منطقه‌ای دارد، اما مبنای شاخص لگاتیوم مقایسه بین‌المللی کشورهاست. ابعاد اقتصادی؛ کیفیت اقتصادی، شرایط کسب و کار و دسترسی به بازار در شاخص لگاتیوم گسترده بکار گرفته شده، این در حالی است که به سبب واحد تحلیل با مقیاس پایین‌تر مانند سطح شهرستان و ماهیت کلان شاخص‌های اقتصادی، این دسته از شاخص‌ها در شاخص ترکیبی بومی محدود استفاده شده است. آزادی‌ها و حقوق فردی در شاخص اخلاق توسعه و اعتماد شاخص بومی قابل دستیابی است و رویکرد به امنیت در شاخص بومی به صورت غیرمستقیم در سرمایه اجتماعی نهفته است، در حالی که در شاخص لگاتیوم ایمنی و امنیت به عنوان شاخصی مستقل دیده شده است. در حالت کلی پوشش جغرافیایی شاخص بومی با تأکید بر مناطق مختلف کشور ایران بوده اما شاخص لگاتیوم جهانی است و تمام کشورها را پوشش می‌دهد. در واقع شاخص بومی برای سیاست‌گذاری‌های ملی و کاهش نابرابری‌های داخلی طراحی شده و ابزار مناسبی برای برنامه‌ریزی منطقه‌ای است.

بحث و نتیجه‌گیری

مقاله حاضر تلاش کرده تحولات کلیدی در حوزه چپستی توسعه اجتماعی و نحوه سنجش آن را در ایران و جهان بررسی نماید تا برداشتی از آن ارائه نماید که در عین سازگاری با بافتار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایران، بتواند در مقام جانشین/مکمل و مقوم سیاست‌های اجتماعی، تصویر منسجم‌تری را از توسعه اجتماعی ایران ترسیم نماید.

در این فرایند، سعی شد تأثیرات نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران مختلف دنیا با توجه به تحولات هر دهه از قرن ۲۰ و ۲۱ در تکوین مفهوم توسعه اجتماعی مشخص گردد و درک بهتری از سیر تکوینی توسعه اجتماعی در طول تاریخ حاصل گردد، این که تحولات اجتماعی نه تنها به پیشرفت‌های اقتصادی بلکه به تغییرات سیاسی و فرهنگی نیز وابسته است. از تاسیس سازمان ملل در دهه ۱۹۴۰ گرفته تا جنبش‌های حقوق مدنی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، همگی بر روند تکوین توسعه اجتماعی تأثیر گذاشته‌اند. علاوه بر این در دهه‌های اخیر موضوعات جهانی شدن و توسعه پایدار به عنوان مولفه‌های کلیدی در تحلیل تحولات اجتماعی وارد شده‌اند.

بر این اساس چهار نقطه عطف در سیر تحول مفهوم و فرایند توسعه اجتماعی در قالب: توسعه اجتماعی نتیجه رشد اقتصادی (۱۹۵۰ میلادی)، توسعه اجتماعی به مثابه خدمات اجتماعی (۱۹۶۰ میلادی)، یکپارچه‌سازی توسعه اقتصادی و اجتماعی (۱۹۷۰ میلادی) و نهایتاً اجلاس کپنهاک و ابلاغ سند توسعه اجتماعی (۱۹۹۵ میلادی) به عنوان نمود تکامل یافته و عام‌تر این مفهوم، قابل بازشناسی است.

در واقع توسعه اجتماعی در بستری از مجموع عوامل عینی و ذهنی که سبب‌ساز تغییر مفهوم مدرنیزاسیون از معنای رشد و صنعتی شدن به فرایندهای چندبعدی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، محیطی و فردی در تفکر توسعه‌ای است، بازصورت‌بندی شده است. این مفهوم در رشته‌های مختلف تعاریف متفاوتی دارد؛ به‌طور مثال در **روان‌شناسی**، توسعه اجتماعی برابر با رشد کودک، در **مددکاری اجتماعی** مرتبط با پروژه‌های اجتماع‌محور، در **جامعه‌شناسی** برابر با تغییر اجتماعی هدایت‌شده و نهایتاً در **سیاست اجتماعی** برابر با بهبود اجتماعی از طریق دولت رفاه، تعریف شده است.

بر اساس بررسی این مقاله؛ مفهوم توسعه اجتماعی یکپارچگی اهداف اقتصادی اجتماعی، تغییرات ساختاری و نهادی و افزایش ظرفیت‌های فردی و اجتماعی در بستری از مشارکت را نمایندگی می‌کند که می‌تواند هم در مقام مکمل توسعه اقتصادمحور و هم به عنوان جایگزین آن منظور گردد. در حالت کلی به مثابه "تغییر برنامه‌ریزی شده برای افزایش رفاه اجتماعی" است که عاملیت این تغییر صرف‌نظر از رویکرد بازارمحور فردگرا، توسط "اجتماع محلی" یا به دست "دولت" صورت می‌گیرد. مناقشه و اختلاف بین تعاریف و شاخص‌های انتخابی برای سنجش توسعه اجتماعی هم از این موضوع سرچشمه می‌گیرد.

این بررسی همچنین محدودیت‌هایی را آشکار کرده است، از جمله این که توسعه اجتماعی تا حد زیادی یک مفهوم عملیاتی و زمینه‌مند بوده و نظریات مرتبط با آن برجسته و مشخص نیست، به همین دلیل بسیاری از مولفین و پژوهشگران این حوزه معتقدند که با توجه به اجماع جهانی و پذیرش معیارها و اهداف در باب توسعه اجتماعی، سنجش توسعه اجتماعی و معیارها و شاخص‌های معرف آن، بنا به محیط نهادی، شرایط بافتاری، فرهنگی و ایدئولوژیکی کشورها از اولویت‌های متفاوتی برخوردار هستند.

به همین دلیل نتایج مربوط به اندازه‌گیری توسعه اجتماعی کشورهای دنیا در موسسات بین‌المللی نظیر شاخص رفاه لگاتیوم، در سطح کلان و عمومی تلقی می‌شوند که نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر با توجه به شرایط ایران و تأثیرات منطقه‌ای دارند.

بر این اساس برای رفع اغتشاشات و ابهامات مفهومی در حوزه توسعه اجتماعی در ایران، در این مقاله تلاش جامعی برای دستیابی به چارچوب نظری از بررسی و تحلیل گزارش‌ها و پژوهش‌های مطرح در سطح بین‌المللی و داخلی انجام شد که مطابق با نتایج آن توسعه اجتماعی، توزیع مداوم و عادلانه امکانات، خدمات و فرصت‌ها در جهت افزایش سطح دسترسی و پاسخ‌گویی به نیازهای افراد، با هدف کاهش فقر و نابرابری، ارتقا قابلیت‌های انسانی جامعه از طریق افزایش بهره‌مندی از

امکانات، خدمات و فرصت‌ها جهت دستیابی به اشتغال دائم، با هدف افزایش درآمد، ارتقا تولید و بهبود اقتصادی، سرمایه‌گذاری در سرمایه اجتماعی از طریق تراکم انجمن‌ها و نهادهای اجتماع‌محور و هنجارهای مرتبط با آن در راستای تسهیل و ارتقا تعاملات در ابعاد انسانی، اقتصادی و زیرساختی با هدف افزایش انسجام اجتماعی تعریف می‌شود. به این ترتیب سه بعد سرمایه انسانی و بهره‌مندی، سرمایه زیرساختی و دسترسی، سرمایه اجتماعی و انسجام به همراه شاخص‌های معرف‌شان ابعاد و اجزای متشکله شاخص ترکیبی توسعه اجتماعی قلمداد می‌شوند.

این شاخص ترکیبی ابزار تحلیلی بدیع و متناسب با بافتار ایران برای سنجش توسعه اجتماعی محسوب می‌شود که با سطح اعتبار و دقت قابل قبول میزان توسعه اجتماعی ایران را در مقیاس‌های ملی/استانی/شهرستانی به دست آورده، به طوری که امکان محاسبه آن در طول زمان برای دستیابی به تغییرات، روندها و رویه‌ها نیز فراهم است. به این ترتیب با توجه به این تصویر دقیق از وضعیت موجود می‌توان انواع مداخلات در قالب پروژه، برنامه، طرح یا سیاست، برای کارگزاران توسعه اجتماعی (دولت، اجتماع و یا بازار) ذیل رویکردهای مشخص و منسجم‌تری با عنوان استراتژی‌های اقدام ارائه نمود که به تغییر و بهبود وضعیت اکنون یاری رساند.

سیاسگزاری

نویسندگان مراتب سپاس خود را از داوران محترم به‌خاطر نقدهای سازنده و پیشنهادهای ارزشمندشان که در ارتقای کیفیت علمی این مقاله نقش بسزایی داشت، ابراز می‌دارند.

منابع

- اکبری، غ. (۱۳۸۰)، وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص‌های توسعه اجتماعی، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، انتشارات علمی و فرهنگی.
- بی‌نا. (۱۹۸۷)، *زیرساخت در قرن بیست و یکم*. خبرگزاری نشنال آکادمی.
- پیران، پ. (۱۳۸۴)، *جهانی‌سازی و توسعه اجتماعی*. سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران، تهران.
- زاهدی، م. (۱۳۸۴)، *توسعه و نابرابری*. انتشارات اعلم.
- عیوضی، ن. مرزبان، ن. و صالحی، م. (۱۳۹۶)، از بررسی حمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار. فصلنامه راهبرد، ۵۵-۸۵.
- فاضلی، م. فتاحی، س. و زنگان رفیعی، س. ن. (۱۳۹۲)، توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان. فصلنامه توسعه اجتماعی و فرهنگی، ۱/۲، ۱۴۹-۱۷۱.
- مبارکی، م. شهبازی، ز. و مصطفوی، ن. (۱۴۰۲)، بررسی وضعیت توسعه اجتماعی در ایران (سطوح ملی/استانی/شهرستانی). مرکز ملی رصد سازمان اجتماعی کشور. تهران
- مبارکی، م. شهبازی، ز. و مصطفوی، ن. (۱۴۰۳)، روش‌شناسی ساخت شاخص ترکیبی توسعه اجتماعی: تصمیمات کلیدی و نتایج. جامعه‌شناسی کاربردی، ۱/۹۷، ۱۵۴-۱۲۵.
- میجلی، ج. (۱۳۹۷)، *توسعه اجتماعی نظریه و اقدام*. انتشارات علمی و فرهنگی. تهران
- میدری، ا. و خیرخواهان، ج. (۱۳۹۰)، *حکمرانی خوب بنیان‌های توسعه*. مرکز پژوهش‌های مجلس - دفتر بررسی‌های اقتصادی.
- نادری قمی، م. (۱۳۹۰)، حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۲۰-۱.

References

- Aspalter, C. & Singh, S. (2004). *Debating social development: An introduction*. Casa verde.
- Baster, N. (1972). *Measuring development*. Frank Cass.
- Bhattacharyya, S. N. (1970). *Community development: an analysis of the programmed in India*. Academic publisher.
- Brokensha, D., & Hodge, P. (1969). *Community development: An interpreting*. Candle.
- Daly, H. (1996). *Beyond Growth: The economics of sustainable development*. MA: Beacon press.
- Davis, Gloria. (2004). *A History of the Social Development Network in the World Bank, 1973—2002*. World Bank.
- Frank, A. G. (1967). *Capitalism and underdevelopment in Latin America*. Monthly Review Press.

- Friedman. (1989). *Free to choose*. Secker & Warburg.
- Gow, D., & Van Sant, J. (1983). Beyond the rhetoric of community development participation: how can it be down? *World development*, 11(5), 427–446.
- Green, M. (2022). Social development: Issues and approaches. *Development theory and practice* (7-52). Palgrave.
- Griffin, k, & James, J. (1981). *The Tradition to Egalitarian Development*. Macmillan.
- Hall, M, & Midgley, J. (2004). *Social policy for development*. Sage.
- Hoister, C.D. (1977). Social work skills for social development. *Social development issues*, 1, 9–16.
- ISS. (2020). *Indices of Social Development*. International Institute of Social Studies
- Kay Guinane. (2004). *United Way of State Caring Index*. Alexandria VA.
- Legatum Institute. (2012). *the 2012 legatum prosperity index*. Legatum Institute.
- Lewis, D, & Kanji, N. (2009). *Non-governmental organizations and development*. Routledge.
- Lipton, M. (1977). *Why Poor People Stay Poor: A Study of Urban Bias in world development*. Temple Smith.
- Livingstone, A. (1969). *Social policy in developing countries*. Routledge and Kegan poul.
- Mazziotta, M, & Pareto, A. (2003). Methods for Constructing Composite Indices: One for All or All for One? *Rivista Italian di Economia Dermographia e Statistical*, 67(2), 67-80.
- Meier, Gerald. (2001). *the old generation of development economists and the new in: Frontiers of development economics: The future in perspective*. Oxford university press.
- Meyer, B. D. (2001). *Making work pay: The earned income tax credit and its impact on American families*. Russell sage foundation.
- Miah, M, R. (2008). *Social development*. *Encyclopedia of social work*. Oxford university press.
- Midgely. (2014). *social development: Theory & practice*. Sage. Publication pub.
- Miring off, M L, & Opdyke, S. (1999). *The Social Health of The Nation: How America is really doing*. Oxford University.
- Myrdal, G. (1970). *The challenge of world poverty*. Harmondsworth: penguin.
- OECD. (2008). *Handbook on Constructing Composite Indicators Methodology and User Guide*. OECD Publishing.
- Omer, S. (1979). Social development. *International social work* 22, 11–26.
- Paiva, F. J. (1979). A conception of social development. *Social service review* 51, 327–336.
- Pandey, R. (1981). *Strategies for social development*. *Social development: Conceptual, methodological and policy* (33-49). ST Martin press.
- Rogers. (1980). *the domestication of women: discrimination in developing countries*. Tavis tock.
- Seers, D. (1969). The meaning of development. *International development review* 11(4), 1–6.
- Sen, A. (1999). *Development as freedom*. Knop.
- Smith, D. (1979). *Where the grass is greener living in an unequal world*. Penguin.
- Social progress imperative. (2015). *Social progress index*.
- Spergel, o. (1978). *Social development and social work*. *Social administration*. Howorth press.
- UNDP. (1990). *Human development report*. Oxford university press.
- United Nations. (2000). *World Summit for Social Development and Beyond: Achieving Social Development for all in a Globalizing World*. United Nations.
- United Nations. (1954). *International definition and measurement of living standards and standards*. United Nations.
- United Nations. (1971). Social policy and planning in national development. *International for social development review*, 3, 4–15.
- United Nations. (2001). *Charter of the United Nations*. United Nations.
- United Nations. (2022). *the 2021/2022 Human Development Report*. The United Nations Development Programmed.
- WHO. (1978). *Declaration of Alma-Ata*. 6–12.
- World Bank. (1995). *investing in people: The World Bank in action*. World Bank.

Theoretical Reconsideration and Comparative Study of an Indigenous Social Development Index in Iran

Zohre Shahbazi¹  | Mehdi Mobaraki^{2*} 

1. Assistant Professor, institute for humanities and social studies (IHSS), Department of Social Psychology, Tehran, Iran. E-mail: shahbazi@acecr.ac.ir

2. Corresponding Author*, Assistant Professor, Social Development Research Department, ACECR, Tehran, Iran. E-mail: mobaraki@acecr.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:

Research Paper

Article History:

Received: 7 September 2025

Accepted: 28 September 2025

Published: 04 October 2025

Keywords:

"Social Development",
"Composite Index", "
Legatum Prosperity
Index", "Inequality", "Social
Progress Index,"

ABSTRACT

Introduction: This study aims to develop an indigenous definition of social development tailored to the cultural, social, and economic context of Iran, and to construct a composite index for assessing the country's status accordingly. The motivation stems from the lack of comprehensive indicators that adequately capture the specific features of Iranian society and the limitations of existing international measures in reflecting its realities.

Methodology: The research adopts a critical review approach, first examining the historical evolution of the concept of social development, categorization of its definitions, and related theoretical transformations. Changes in measurement indicators and their application in Iran were also analyzed. Furthermore, major international institutions engaged in measuring social development were introduced, and the limitations of their indices in reflecting Iran's reality were critically assessed. Based on this review, a composite index appropriate to the Iranian context was designed, constructed using the methodology of Nardo et al., and validated through the Delphi technique.

Results: The results indicate that Iran is positioned at a medium level of social development, with the greatest disparities observed in infrastructural capital. Improvement in welfare-related components requires policy reform and investment in social and welfare infrastructures. For validation purposes, the indigenous index was compared with the Legatum Prosperity Index (2024), which demonstrated its effectiveness in revealing intra-regional disparities and providing a more nuanced picture of inequalities within the country.

Conclusions: The proposed indigenous social development index provides a reliable tool for accurately depicting the status of social development at provincial and county levels. It enables the monitoring of social development dynamics across different levels of planning and policymaking in the country. Moreover, this index can support policymakers in identifying weaknesses, designing targeted interventions, and promoting social justice in line with national priorities.

Cite this article: Shahbazi, Z., Mobaraki, M., (2024). Theoretical Reconsideration and Comparative Study of an Indigenous Social Development Index in Iran. *Journal of Economic & Developmental Sociology*, 14 (1), 206-229



© The Author(s). Publisher: University of Tabriz Press.



[10.22034/jeds.2025.67901.1875](https://doi.org/10.22034/jeds.2025.67901.1875)